



بیت کارگر



بهامداد ۲۰ بهال

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۶۷

جمهوری اسلامی، گروه‌گانه‌ها و انتخابات فرانسه

نشان می‌دهند و بخاطر "انسانیت" و "قوانین بین-المللی حقوق بشر" میلیون‌ها دلار سلاح را برای "شیرینی" آزادی گروه‌گانه‌ها و بیوستن آنها بسسه خانواده‌هایشان تاخت می‌زنند. اما معاً مله‌ها همیشه به راحتی به سرانجام نمی‌رسد. کلی بایسد عرق ریخت و رفت و آمد کرد. با بدخبرنگاران و آشنايان را فعال نموده، با عتبا مصالحه انجام داده و دری وری گفت تا مقصود را به طرف حالی کرد، تازه خیلی مواقع پیش می‌آید که رقباي مشتری، نان آدم را آجر می‌کنند! اکنون چند سال است که تعدادی گروه‌گانه فرانسوی، انگلیسی و امریکایی و... در اختیار حزب الله لبنان قرار دارند و علیرغم تلاشهای آقای رفسنجانی بخاطر "انسانیت" آنها آزاد نشده‌اند. چرا که رقباي سیاسی آقایان شیراک و ریگان سنگ اندازی می‌کنند. موضوع آنقدر عظوفت حجت الاسلام را جریحه دار کرده است که مجبور شده درمنا حبه با خبرنگار "سی.ان.ان" امریکایی (کیهان ۶ فروردین) تا راحتی خود را از اینکه آنها (رقباي سیاسی) علاوه مسائل انسانی توجه نمی‌کنند، چنین ابراز آرد: "ما بطور کلی ما بلیسم برای آزادی گروه‌گانه‌ها خدمت و کمکی انجام مدهیم. اما متأسفانه کشورهای که اتباع آنها در لبنان گروه‌گانه هستند و با بطی خصمانه ما

کشورهای امپریالیستی نظیر امریکسا، انگلیس، فرانسه، آلمان و... "مناقح" غیرقابل گذشتی در لبنان جنگ زده دارند. علیرغم وجود وضعیت ابعینی غیرقابل اطمینان در شرایط وجود فرقه‌ها، دسته‌ها و احزاب مسلح که هر کدام از آنها سیاست متناقضی با دیگران را دنبال می‌کنند کشورهای نامبرده در بالا عوامل خود را در لبنان س خبرنگاران، تجار، ماموران فنی و دیپلمات در لبنان نگاه می‌دارند. ورژیم فقیها بعنوان بسک حکومت مذهبی فوق ارتجاعی از طریق سرازیر کردن دلارهای نفتی به جنوب لبنان، شیعه‌های حزب الله طرفدار خود را لبت است که تا دندان مسلح کرده و درمنا ملات خود با کشورهای اروپایی، از آنها بسنا به با زوی فشار تروریستی و گروه‌گنگیری خود سودجسته است. با رسوا شدن نمونه‌ها از ایمن معاملات تروریستی در ایران گیت و جنگ سفارتخانه‌ها بین ایران و فرانسه و آزادی سر-تروریست، وحیدگرچی، دیگر دلایلی برای کتمان کردن زیاده‌ها زحده این تجارت پرشماره جدا شده وجود ندارد. هم‌سوداگران مرگ از قبیل ریگان، هیلاری، تا جرها و شیراک‌ها و هم‌نما بسنگان عالیقدر "مام" شادانی مثل هاشمی رفسنجانی، درمنا حبه‌ها و گفتگوهای رادیو، تلویزیونی و مطبوعاتی برای از سرگیری معامله‌های جدید به مدیگر جرایم سبز

انتخابات فقیها:

آیا گره بازمی‌شود؟

بیش از یکماه از انجام انتخابات مجلس سوم میگذرد. انتخاباتی که جناح مسلط حکومت اسلامی آنرا به محنت تعیین تکلیف با شریک خود، جناح طرفدار با زار، مبدل کرده است. آنها بسنا طرحهای نامنده را وقدمات متنوع درمصد بوده-اند که از ورود نمایندگان وابسته به این جناح به مجلس تا آنجا که میتوانند جلوگیری کنند تا به زعم خودشان مجلسی یکدست تر داشته و زشرا آنها در تصمیم‌گیری‌ها خلاص شوند. اقداماتی که با زمینیه سازیهای وزارت کشور در نواحی مختلف بسراي کنترل بر صندوقهای رای تا خودداری از هر نوع توافق بر روی کاندیداهای مربوط به جناح با زار پیش رفت، که این خود باعث انشعاب در تشکیلات آخوندهای تهران، مامعه روحانیت مبارز نیز گردید. جناح مسلط که حمایت فمضی خمینی از کاندیداهای خود را هم به همراه داشت، بر استسسی شمیرا زربسته و از هر طرف تاخت و تا زگرد. اما آیا توازن قدرت در وضعیت کنونی امکان میدهد که جریان اموریه آن صورت و در حدی که مطلوب آنان است پیش رود؟

در نزدیک به یک سوم حوزه‌های انتخاباتی کشور انتخابات به مرحله دوم رسید و این کمیته بالا نشان می‌دهد که تیغ حضرات آنچنان که باید نمی‌برد. خصوصاً آنکه در حوزه‌هایی این چنین شد که عنا صر فعال و مهم جناح مسلط با کاندید بودن و با گرداندن اموره ستند، مثلاً شیراز و یزد که هر دو از "بلاد" مهم فقیهاست. در شیراز، "منتخب نیا" که از فاعل بسن انشعاب آخوندها در تهران است کاندید بود. هم چنین بعضی از کاندیدها به علت رده شدن ملاحظیات در چارلنگی در انتخابات شدند که درمنا زعات موثر بودند. مانند فوا دکریمی از اهاوز که اگر چه در طبقه اصلی جناح مسلط نبود و بعضاً چموشی نیز میگردا اما از "خط امامی‌ها" ی دواتشای بود که بعضسوان قلعه کوب جناح اصلی حکومت درمنا زعه با زار بقیه در صفحه ۲

جنا بیت عمال رژیم در سوئد

روزی پنجشنبه ۱۲ ماه مه ساعت ۱۲ عده‌ای از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی جهت برگزاری روز قدس در میدان مرکزی شهر استکهلم گرد آمدند. آنان توسط سفارتخانه ایران این لانه طرح ترور و جنایت به چاقو زنجیر و پنجه بکس و انواع واقسام سلاحهای سرد مسلح شده بودند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با برنما مه زبیش تعیین شده بسه صفوف ایرانیان آگاه و موب رز که برای افشای چهره کریه رژیم ولایت فقیه درمنا مکان گرد آمدند بودند حمله برده و تعدادی از ایرانیان مبارز را با چاقو زنجیر و دیگر وسایل مجروح و زخمی نمودند. در این میان سه نفر از ایرانیان توسط تروریستهای رژیم ولایت فقیه راهی بیمارستان گردیدند که حال یکی از آنها وخیم است. دو نفر از مجروحین در تونل بان مورد حمله مزدوران رژیم قرار گرفته و نفر دیگر در داخل جمعیت با چاقوی جنایتکاران خمینی شدت مجروح شد. ایرانیان بقیه در صفحه ۱۱

در صفحات داخلی

در صفحه ۴
باید داد است هیئت تحریریه

معرفی کانوها و تشکل‌های دموکراتیک: ۲

فراخوان به فعالین کارگری ایران !!

طرح ایجاد یک سازمان مستقل زنان در بریتانیا

اخبار ایران: ۲

انتخابات تهران از زبان کاندیدها

نامه‌ای از ایران: ۸

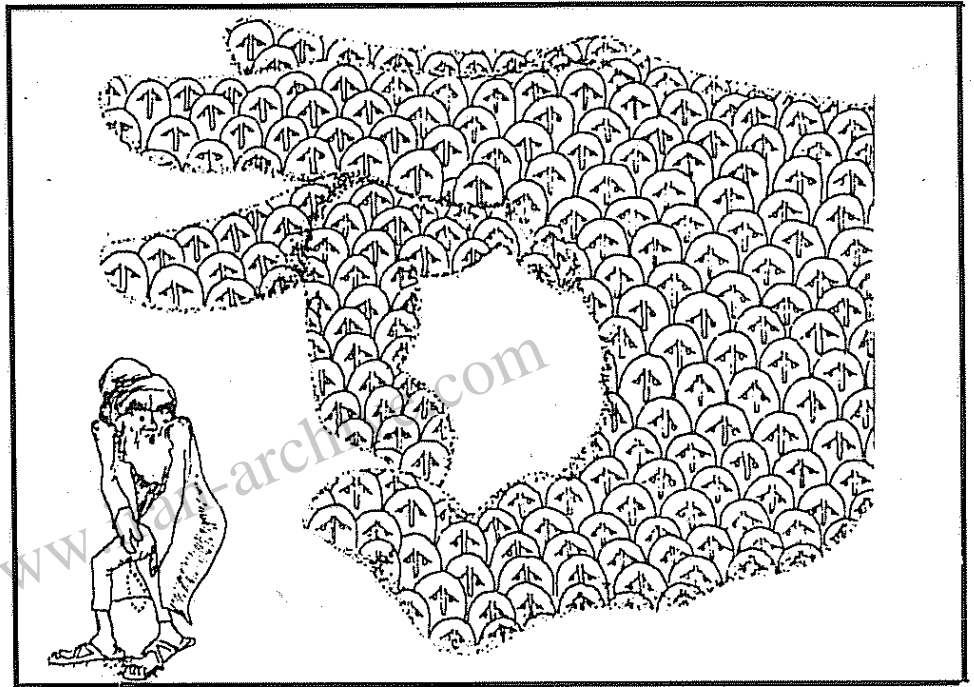
حزب "کمونیست" کومهله، انزوی بیشتر ۵

در صفحه ۱۴، ۱۳، ۳

آکسیونهای علیه فاشیسم، تبعیض نژادی و جنسی فرانسه و سوئد، آلمان فدرال

انتخابات فقها: آیا گره بازمی شود؟

دستور مجلس شدیداً به او حمله کرد و از اعتبار او و مرجعیت شورای نگهبان در انتخابات دفاع کرده و مخدوش بودن انتخابات تهران را عنوان نمود و از "امام" خواست تا جلوی وزیر کشور را بگیرد. هم چنین محمدرضا با هنرنامه پندیده بافت که برای دوره سوم از تهران کاندید بود و از فعالیت جناح بازار است در شطرنج پیش از دستور و روز ششم اردیبهشت بسا حمله به وزیر کشور، دست به افتخارگری در مسجود انتخابات تهران زد. او گفت: "... وزارت کشور به انحاء مختلف از انجام نظارت شورای نگهبان جلوگیری کرده است، تا حدی که با تغییر آدرس صندوقی رای گیری تعدادی از ناظرین را معطل گذاشته و تعدادی از آنها را ضمنی دانستند که کاملاً مجوز بوسیله کمیته انقلاب اسلامی دستگیر نموده اند. به این ترتیب رای گیری در این گونه صندوقها بدون نظارت انجام شده و از جریده اعتبار رسیده است. او ادا مده داد "علیرغم معطلی های زیاد فرمانداری تهران در پاسخ به تقاضای بازماندگی صندوقها توسط هیئت نظارت و پس از دستور مستقیم حضرت امام مبنی بر همکاری وزارت کشور با هیئت نظارت متأسفانه هنوز هم وزارت کشور با "لیت و لعل" کردنش سعی دارد که در نهایت صندوقهای کمتری با زحمتی شده و تخلفات و سوءاستفاده های کمتری آشکار گردد. با این حساب جناح رقیب یکسار ننشسته و با تلاش مداوم در خود جلوی پیشروی حضرت ایستاده و قصد دلدیستهای آرا را با لایوایی کین کند و نگذارد که لقمه انتخابات برایشان حتی از حلقوم جناح مسلط یا شین رود. چون همیشه در منازعات خود به دامن "حق" هم متوسل شده اند و علیرغم دستور او هنوز ما چرا فبصلمه نیافتیم.



در بطن این انتخابات اما یک نکته مهم دیگر هم برجسته است: برای مقابله با جناح بازار در این دوره و این انتخابات، جناح مسلط حکومت در حد زیادی از عناصر "تندرو" استفاده کرده و با گشاده دستی آنها را برای عقب راندن حریف به میدان فرستاد. این موضوع بی عقوبت نخواهد بود چرا که مواضع این عناصر در بسیاری از مسائل با مواضع جناح مسلط کسی برای اتخاذ یک برنامۀ مباح و مباح و واقع بینانه در برخورد با مشکلات داخلی و خارجی دارد، منطبق نبوده و تنها قضایای را از هم اکنون می پروراند. مثلاً کنترل گمانی مانند خوشبینی ها و محتملی که اغلب سازمان های دیگری کوک می کنند آن نخواهد بود. بنابراین به فرض آنکه آنها از تمایز می بیج و خمه و مقام های شورای نگهبان در این انتخابات هم بگذرند و شرح جناح بازار را کمتر کنند (؟) با چنانی که امروزه عناصر "تندرو" داده اند فردا گریبان نشان را خواهد گرفت.

در این فتنه ایم که متأسفانه هیئت نظارت تهران ... جهت گیری خاصی کرده اند و تلاش خویش را بسا حربه اختیاراتی که قانون نظارت بر انتخابات به دست آنها داده است به نفع جناح خاصی یکسار گرفته اند. آنها می کوشند که بنا برخواست جریانی که در انتخابات مرحله اول توفیق چندانی نیافتیم ... مسیر راه سمتی جهت دهند که تا حدودی جبران آن عقب ماندگی ویا عدم توفیق شود "محتملی چنین ادا مده داد که "هیئت نظارت تهران میخواهد که بسا ابطال ویا مخدوش نمودن بیش از ۳۰ صندوق رای شهر تهران این زمینه را ایجاد نماید تا چند نفری از افرادی که در لیست نیامده اند از جناح خاصی هستند به مرحله دوم راه یابند" این گفته های وزیر کشور میرسد که با ضحک و رقیب، جنگ تازه در انتخابات آغاز شده. بدنبال سخنان محتملی و فردای آن روز، عباس شیبانی در شطرنج پیش از

به مجلس در دور اول دست یافتند، بجز یک نفر (عباس شیبانی) ما بقی از وابستگان به جناح مسلط هستند و مهره های موشی از "بازار" مانند زوارهای ویا دامچیان حتی به دور دوم راه پیدا نکردند. ما بررسی نتیجه انتخابات را نمی توان صرفاً به کاندیدهای حاکم اکثریت آرا محدود کرد. چرا که سیستم انتخاباتی فقها بنحوی است که از زمان بیرون آمدن یک شخص بعنوان فردی روز از صندوق رای تا پذیرفته شدن او بعنوان نماینده قطعاً در مجلس، هفت خوانی در راه است. انتخابات هر حوزه با بد توسط شورای نگهبان تأیید شود و اینجاست که هر جناح رقیب بکار می افتد. محتملی وزیر کشور، که کارگزار جناح مسلط در انتخابات است، بعد از رای گیری دور اول با احساس رضایت از نتیجه این دور بلافاصله روز ۲۳ اردیبهشت را برای رای گیری دور دوم اعلام کرد و بطوریکه نتیجه

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

جمهوری اسلامی،

گروگانها و انتخابات فرانسه

وا آمریکا بدلیل نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری در هر دو کشور آمده است و از این روست که نه تنها در صحنه ۶ فروردین بلکه در صحنه باخبرنگار "ایزور" در تاریخ ۲۴ فروردین (که با ۲۴ فروردین) با زهم مسالدهی گروگانها را به میسبان کشیده و از علاقه جمهوری اسلامی برای آزادی آنها سخن می گوید. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی که منافع خود را با راست ترین جناحهای امپریالیسم همسویافته است، بطور دقیق و کاملاً مستقیم تیک از طریق معروفترین و قدرتمندترین سخنگویان خود با تبلیغات بیرون مرزی شده، حزب شیراک در فرانسه و جمهوریخواهان و ریکان در آمریکا هماهنگی می کند. هماهنگی و حمایت از بیرونی شیراک (راستها) در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه برای رژیم اسلامی تا آنجا است که طرفین با وجود توافق بر سر آزادی گروگانها از یکدیگر دو ماه قبل، عملی کردن آزادی آنها را بنا به گفته رفسنجانی بعنوان یک "برگ برنده" برای شیراک تا آستانه آغاز دوردوم انتخاباتها با عقب می اندازند، تا رقابت شیراک که در مقابل ۳۳/۱٪ آراء میتران، فقط ۱۹/۹۴٪ آراء را بدست آورده است، همچنان انگیزتر و قریب مؤثقت گردد.

هما نظور که انتظار می رفت حزب اللهیه دستور جمهوری اسلامی، گروگانها را که مقدمات آزادی آنها توسط "آلکساندرا استفانی" فرستاده ویژه فرانسه و یک بازگان لبنانی در دره بقیع فراهم گشته بود، چهار روز قبل (۸۸/۵/۵) از آغاز دوردوم انتخابات فرانسه را ساخت. شیراک پای بلکه ن هوا بیما سه گروگان آزاد شده را که دوتن از آنها دبیلومات بودند، با استقبال کرده و از رژیم جمهوری اسلامی ایران بخاطر تلاش برای آزادی آنها تشکر و قدر دانی نمود. وی گفت که با ایسین اقدام رژیم اسلامی مسیر روابط همه جانبه ایران و فرانسه باز شده است. روز بعد خبرگزاریها اعلام کردند، فرانسه به علامت حسن نیت یکی از کشتیهای جنگی ناوگان خود را از خلیج فارس خارج ساخته است.

با این همه چنان بگام فقها نمی گردد، آنها برگ گروگانهای فرانسوی را از دست دادند اما نتیجه انتخابات ریاست جمهوری فرانسه را نیز بدست نیاوردند!

دارند و ما چگونه می توانیم به این کشورها با این رفتار خصمانه کمک کنیم. ما سال گذشته بیش از حد مشخصی به انگلیسی ها دادیم... ولی آنها کمکی در این زمینه به ما نکردند. وقتی آنها بنظر برخورد می کنند نباید توقع کمکی از سوی ما داشته باشند. من معتقدم اشکال اساسی در دستگاه رهبری شماست. برای مثال دمکراتها در آمریکا در این امر - آزادی گروگانها - کارشکنی می کنند که میباید جمهوریخواهان گروگانها را آزاد کنند و با این "میتران" برای بانند "شیراک" کارشکنی می کنند که میباید گروگانها آزاد شده و برگ برنده ای را در اختیار داشته باشد. بجز تقدیر و با تمام اینها ما ما بلیم که در آزادی گروگانها خدمت کنیم مشروط به آنچه که پیش از این گفته شد. من فکر می کنم ریکان و شیراک به حل مشکل گروگانها نزدیک شده بودند ولی رقبای سیاسی آنها را در این امر به مشکل انداختند.

دولت دست راستی ژاک شیراک که از زمان روی کار آمدن علیرغم دوره های بسیار محدود تیرگی روابط با ایران، مناسبات بسیار حسنه ای با رژیم فقها داشته است و در این راه حتی از پایمال نمودن برتسیب های موجود در قانون اساسی فرانسه و آزادی های بورژوازی، با نکرده و سیستم قضایی فرانسه را تا آستانه نیوس تروریسم رژیم جمهوری اسلامی ساقط کرده است، مثل ریکان و جمهوریخواهان آمریکا، دولت مورد علاقه رژیم جنایتکار رفیقهاست. بی مورد نیست که رفسنجانی سخنگوی "خط امام"، جناح مسلط در جمهوری اسلامی یک ماه قبل از آغاز انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در صحنه باخبرنگاران خارجی بطور آشکارا "بانند" دمکراتها را در آمریکا و "بانند" میتران را در فرانسه در مقابل رقبای سیاسی جمهوریخواهان و کلیستها مورد حمله و افشاگری قرار میدهد. و از اینکه آنها در مقابل اقدامات آقای شیراک و ریکان که به حل مشکل گروگانها نزدیک شده بودند، سنگ اندازی کرده اند، بسیار ناراحت است. او بخوبی می داند که شرایط برای معامله بر سر گروگانهای فرانسوی و آمریکایی در لبنان با سلاحهای گروگان گرفته شده در فرانسه

آکسیونهای زنجیره ای

علیه فاشیسم،

تبعیض نژادی و جنسی

برلین غربی - به دعوت گروه "ضد فاشیسم" در برلین غربی تعدادی از گروهها و سازمانهای مترقی آلمانی و خارجی از جمله رفقای ما هر هفته جلساتی برای بحث پیرامون چگونگی برگزاری آکسیونهای مبارزاتی علیه فاشیسم، تبعیض نژادی و جنسی که رساله های اخیر کشورهای اروپایی رشد بی سابقه ای داشته و همچنین علیه کاندیداتوری (Lepen) "لوپن" رهبر "جبهه ملی" فوق دست راستی فرانسه، که جزئی تا ما متوقف نیست است و تبلیغات انتخاباتی آن حول شعار اخراج خارجیان می گردد، ترتیب دادند. کمیته همزیور که با عنوان "کمیته ضد فاشیسم، ضد تبعیض نژادی و جنسی" کاری کند، تصمیم گرفت از تاریخ ۸۸/۴/۲۱ تا ۸۸/۵/۸۸ در هفته های مختلف، اقدامات اعتراضی را سازمان دهد. آکسیونهایی که توسط این کمیته تا بحال برگزار شده است عبارتند از:

۱- میتینگ برای اعتراض علیه قانون جدید تصویب شده در برلین علیه سکونت خارجیان در تاریخ ۸۸/۴/۲۱. در این میتینگ یک نفر از گروه "آکسیون قلموخت بورد" نماینده های از ASYL e.v، یک نفر از خانه خلقی متعلق به گروه های چپ ترک، نماینده های از "آلترناتیویلیست" و همینطور نماینده خارجی آن در مجلس برلین غربی که یک زن ترک است، صحبت کرد و به افشای سیاست تبعیض نژادی دولت آلمان فدرال و برلین غربی پرداختند.

۲- تشکیل جلسه بحث و تبادل نظر پیرامون مسئله تبعیض نژادی و جنسی و فاشیسم در اروپا، علل و ریشه های آن و چگونگی راههای مقابله با آن که حدود ۳۰۰ نفر از صاحب نظران و نمایندگان و هواداران گروه های مترقی در آن شرکت کردند. رفقای ما در این جلسه نیز حضور فعال داشته و ضمن آن جزوات سازمان بزبانهای خارجی را در میان جمعیت حاضر توزیع و تبلیغ کردند. این نشست حدود ۴ ساعت طول کشید.

۳- تظاهرات سراسری علیه فاشیسم و تبعیض نژادی و جنسی که در تاریخ ۸۸/۴/۲۳ با شرکت حدود ۱۰۰۰۰ نفر ترتیب یافت، که در نوع خود بلاحظ مضمون و شکل موفق برگزاری آن، کاملاً بی سابقه بود.

۴- کنسرت علیه فاشیسم و تبعیض نژادی و جنسی که در تاریخ ۸۸/۴/۲۴ برگزار شد و حدود ۱۰۰۰ نفر از ساعت ۷ بعد از ظهر تا ۳ با صدای آن حضور یافتند و ترانه ها و سرودهای متعددی در ستایش مقام آزادی، برابری و علیه انواع تبعیض خوانده شد.

معرفی کانونها و تشکل های دموکراتیک

"جنبش دفاع از حقوق سندیکای کارگران ایران"، نام تشکل تازه ای است که توسط تعدادی از فعالین کارگری ایرانی در خارج از کشور تاسیس شده است. چنانکه از فراخوان این جنبش — رسیده برمی آید، این تشکل هدف خود را مبارزه برای کسب پشتیبانی بین المللی از طبقه کارگر

ایران از طریق برانگیختن حمایت کارگران دیگر کشورها قرار داده است. ما عین فراخوان این جنبش را برای اطلاع کارگران تبعیدی ایرانی و همه خوانندگان خود درج کرده و از هیئت موسس این جنبش درخواست داریم که یک نسخه از بلا تفرم خود را که در این فراخوان از آن نام برده شده برای ما ارسال کنند.

فراخوان به فعالین کارگری ایران!

کارگران ایرانی!

طبقه کارگرایان در نبردی نابرابر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی مبارزات خود را پیش می برد و از حق تشکل مستقل خود از جانب این رژیم محروم گردیده است. طبقه کارگرایان تحت فشار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جنگ در شرایط دشواری بسر می برد، اما مبارزات و وضعیت او به اطلاع سرادان طبقاتی اش در سراسر جهان نمی رسد، و از حمایت آنها بی بهره است. تعداد زیادی از کارگران پیشرو اعدام و زندانی، و بسیاری از آنان به خارج از مرزهای ایران متواری شده اند. ما کارگران تبعیدی موظفیم فریاد حق طلبانه همزنجیران کارگر خود را به گوش جهانیان و به برادران جهانی خود برسانیم و حمایت و دفاع متشکل آنان را برانگیزیم.

ما تعدادی از فعالین کارگری ایرانی که اینک در خارج از کشور بسر می بریم، هیئت مؤسس جنبش دفاع از جنبش سندیکائی کارگران ایران را تشکیل داده و اسناد مربوط به آنرا تنظیم نموده ایم و از شما کارگران ایرانی، صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی، دعوت می کنیم تا مشترکاً جنبش دفاع بین المللی کارگری از مبارزات طبقه کارگرایان را سازمان دهیم. چارچوب خواسته های ما در بلا تفرمی که به همین منظور تنظیم شده مندرج است. بانثانی های زیر با ما مذاکره کنید و نظرات و پیشنهادات خود را بر ایمان بنویسید و ما را در برگزاری هر چه پربارتر مجمع عمومی یاری رسانید.

هیئت مؤسس جنبش دفاع از حقوق سندیکائی کارگران ایران در خارج از کشور اول ماه مه ۱۹۸۸

دفتر مرکزی: آلمان فدرال

Postlagerkarte

Nr. 123903 C

53 Bonn 1

W. Germany

طرح ایجاد دیک سازمان مستقل زنان در بریتانیا

اخیراً از طرف نمایندگان ایرانی مقیم بریتانیا، طرحی به منظور ایجاد یک سازمان مستقل از زنان ایرانی انتشار یافته است.

در پیشگفتار این طرح، با اشاره به ضرورت چنین سازمانی نوشته شده: "هم اکنون در بریتانیا و بویژه در لندن، سازمان ها و گروهها و محافل متعددی از زنان ایرانی که به ندوی از انداء درگیر مسائل ویژه زنان اند شکل گرفته است.

زنان ایرانی با عقاید و نظریات مختلف چه از طریق اینگونه تشکلهای و چه از طریق دیگر روشها و اندوندرطریق سیاسی و فرهنگی، و فاعی، رفاهی و غیره بایکدیگر همکاری می کنند. هر چند که بسیاری از این فعالیتها بطور جداگانه صورت می گیرند، هگی، از آنجا که مربوط به زنان و مسائل ویژه زنان اند می توانند در خدمت یکدیگر نیز قرار گیرند. به همین خاطر، وقت آن رسیده است که تشکل وسیع تری که بتواند همه فعالیتهای فوق را در برگیرد و بتواند شرایط را برای همکاری و همیاری هر چه بیشتر زنان ایرانی فراهم سازد، ایجاد کرد. طرح تشکیل سازمان زنان ایرانی در بریتانیا در اساس از همین انگیزه نشأت می گیرد.

طرح مذکور پس از تشریح اصول سازمانی و ساختاری خود که بر مبنای کمیته های خود مختار عمل می کنند اهداف خویش را بدین ترتیب فرمول بندی کرد ما است:

۱- گرد هم آوری کلیه مکانات طلبی، حقوقی، رفاهی، فرهنگی و غیره برای خدمت به همه زنان ایرانی نیازمند این امکانات بویژه زنان پناهنده در بریتانیا.

۲- سازماندهی تجمعات و فعالیت هائی که به گرد هم آیی زنان ایرانی و گسترش آشنایی شان با یکدیگر و مسائل یکدیگر و تشویق همیاری و همکاری در میان آنها کمک کند.

۳- برگزاری مراسم اجتماعی، هنری، فرهنگی، سیاسی و تفریحی برای ارتقاء سطح هبستگی میان همه زنان ایرانی مقیم بریتانیا.

۴- مبادرت به کلیه اقداماتی که برای مطلق ساختن آن هان عمومی با موقعیت زنان تحت ستم ایرانی و افشای ماهیت ارتجاعی و ضد زن رژیم حاکم در ایران ضروری باشد.

۵- کمک کردن به بسیج همه نیروهای ممکن برای همبستگی با مبارزات زنان بطور انم و زنان ایرانی بطور اخص علیه هرگونه حمله به حقوق زنان. بقیه در صفحه ۹

حزب "کمونیست" کومهله

، انزوای بیشتر

بالا گرفتن مجدد جنگ شهرها و فجاج ناشی از بمباران و وشکیاران شهرهای ایران، جنبش ش. انتراضی بر علیه جنگ را در خارج از کشور به نحو محسوسی فعال نمود. در زمینهای فعالیت ها یکبار دیگر خط مشی های مختلف به حکم تجربه خورد و گرایشات فرقه گرایانه رسوا تر شدند. در این میان خط کمیته خارج از کشور "حزب" کمونیست کومهله تا کنون تجلی برجسته کومهله بینی فرقه ای بود، صراحت بیشتری یافت و کمیته مذکور پس از تلاشهای بی وقفه برای خرابکاری در جنبش دموکراتیک، با انتشار ابلاغیه ای خطاب به هواداران خود منشور سکتاریستی و انزوا طلبانه خویش را کامل نمود.

این ابلاغیه که در نشریه رسانه شماره ۵۳ درج گردید ماست، با تاکید از حوزه ها، انجمن ها و فعالین حزبی می خواهد که در ادامه کمسیون ها و حرکت های اعتراضی علیه بهاران ها و جنگ شهرها قرارخواند با کمسیون ها و امضاء تراکتها و شعارها باید از طرف خودتان و بنام هواداران حزب کمونیست ایران باشد و تنها با نیروهای ترقی خواه و چپ غیر ایرانی وارد همکاری شوند و به جلب حمایت آن ها همت گمارند. در این ابلاغیه چگونه رهنمودی در مورد انجام اقدامات مشترک با نیروهای ایرانی داده نشده و اینها را بر این آنچه تحت عنوان پرخطراتی "دام زدن به اعتراضات و مبارزات مردم خارج از کشور" آمده، جزئیات تعارف و شعارتو خالی چیزی نیست. همه فعالین جنبش دموکراتیک در خارج از کشور امروز در این نکته هم نظرند که حتی اتحاد عمل های چند جانبه سازمان ها و گروههای مختلف چپ قدرت بسیج محدودی دارند و تعداد بسیار کمی از افراد خارج از صفوف هواداران خود را قادرند به میدان بکشند. ضعف پایتودهای حرکت های اعتراضی واقعیتی است که نمی توان به سادگی از آن چشم برگرفت. واقع اگر صد و این ابلاغیه در نتیجه نامیدی این حزب از نیروهای ایرانی وضعف های موجود در اتحاد عمل های دموکراتیک نباشد، که اینطور یکسرا از آنها دل کند ماست، باید خیلی نسبت به خود دچار توهم باشد که گمان بردن به امضاء و شعارهای ویژه خود خواهد توانست به اعتراضات و مبارزات مردم خارج از کشور دامن بزند. اگر فرض کنیم که از یاد گسسته نویسنده گان ابلاغیه مردمی که می خواهد بطور وسیع بسیج شوند. همین مهاجرین و دانشجویان ایرانی هستند که تا کنون به نحوی از انحاء در فعالیت های دموکراتیک و حول و حوش آن حرکت کرده اند، مگر

روشن نیست که آنها حتی در اتحاد عمل های چند جانبه با احتیاط شرکت می کنند. و تا به توتوی نیروهای شرکت کننده و مضامین شعارها و اهداف حرکت را واریسی نکنند، پاسخ مثبت نمی دهند. پس "کمیته خارج" با چه پشتوانه ای گمان می کند اقدام مستقل خود او و شعارهایش با اقبال روبرو خواهد شد؟ شاید آنها بر این وهم هستند که به یک نیروی همزمن در عرصه فعالیت دموکراتیک تبدیل شده اند و دیگران مجبورند مثل انجمن های هواداره از روی ابلاغیه ها و اطلاعاتی های آنها عمل کنند. یا اینکه با نظر زمینه گسترده ضد جنگ می خواهند با عمل مستقل و شمار مستقل "حزبی" بر امواج سوار شوند و به نیروی همزمن مبدل شوند؟ این مفروضات همه ممکن است صحیح باشد، اما آنچه قطعی است، اینست که ایستگاه "حزب" هیچ میانهای با شعارهای دموکراتیک و مبارزات دموکراتیک ندارد و هر چه زمان می گذرد، بیگانگی این "حزب" نسبت به این مقولات واضح تر می گردد. "حزب" کمونیست کومهله در واقع ایستگاه شعارها را مسئله مربوط به بورژوازی و خرد سبورژوازی می داند و به لحاظ شوریک کمونیست ها را موظف به دفاع از آنها نمی داند. اما چون در عمل واقعیتی زندگی نمی تواند به باور خویش متعهد باقی بماند و از تضاد های دیگری رنج می برد به اقدامات ضد و نقیض کشید می شود و ابلاغیه های خندنا و رسا در می کند. زنده ای برای حل این تناقض در اتحاد عمل ها از امضاء مشترک طفره می رود و تحت پوشش نامهای مجهول - شوراء عمل می کند تا به زعم خود نسام "حزب کمونیست" در فعالیت بورژوازی دموکراتیک آلوده نشود، و زنده ای دیگر، مثل امروز، یک شعار دموکراتیک چون "مرگ بر جنگ" را می خواهد خود به تنهایی حمل کند تا بورژوازی بودن این شعار را با نقش همونیستی خود پرولتری کرده باشد.

اگر "حزب" مژبور از حصار فرقه ای خود سربسرون می آورد و نیازهای جنبش انقلابی و دموکراتیک مردم را نیاز خود می داند است و به اهمیت ضرورت نیرومندی این جنبش حتی برای اهداف شبهه و سیالیستی خود درهای حساسیت نشان می داد، آنگاه به عبث بودن و شکست بی تردید سیاست فرقه های ایدئولوژیک که مردم را به طریقت خود دعوت می کنند، اما هرگز به اقدام، اراده و سازمان با بی مستقل آنها بسا و در ندارند و اقی می شد. اما از جریانی که فرقه بسودن خود را تحت عنوان سازماندهی ایدئولوژی و نه سازمان نگری توده ها با صدای بلند اعلام می کند نمی توان انتظار داشت که حتی معنی حرف خود یعنی "دام زدن به مبارزات خارج" را درک کند. برای چنین جریانی، دام زدن به این مبارزات اساسا با مولفه روی آوری، بدون قید و شرط به شعارهای وی مشخص می شود و چنین شعارهایی البته از سوی فعالین فرقه فوق - ونه حتی نزدیکترین گرایشها تا به آن - پذیرفته می شود و بنا بر این اثر "مردم خارج"

واقعاً بخداوند بر علیه جنگ مبارزه کنند باید در ابتدا هوادار جریان مزبور شد و آنگاه در مبارزه شرکت کنند! پرسش مهمی که اینجا مطرح می شود این است که چرا این خط مشی از سوی حزبی که مدعی است برای "انقلاب کارگری" می رزمند اتخاذ نمی شود؟ آیا این "انقلاب کارگری" برای شعله ور شدن و بسا به پیش رفتن از شرایط دموکراتیک بی نیاز است؟ آیا "انقلاب" فوق صرف نظر از وضعیت جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی و در چهار دیگه لیزاسیون شعارها می این جنبش به عنوان یک جنبش توده ای، و مستقل از آن صورت می گیرد؟

پاسخ این سؤال را باید در سکتاریسم ویدئاسین "حزب" یافت. این سکتاریسم صرفا ناشی از تنگ نظرریهای رایج در میان چپ ایران و فقدان درک روشن از شیوه های فعالیت دموکراتیک نیست (اگرچه در مورد مورد نیز حزب مزبور رکنا در مانده و تریستن گروه های پوپولیست قرار می گیرد)، بلکه همچنین بازگوکننده این حقیقت است که حزب "کمونیست" بیش از پیش به دلیل نداشتن برنامه برای "انقلاب کارگری" و اساسا هرگونه برنامه ای، نیاز به گردآوری نیرو برای اهداف خود و در نتیجه سیاست اعتدالی ندارد. اگر "انقلاب کارگری" مورد پذیرش این حزب می بایست بصورت یک انقلاب جهانی سوسیالیستی و انقلابی در یک کشور باشد شرایط بین المللی مساعد صورت بگیرد تا خفته نشود، در این صورت به واقع نیز نیازی به مبارزه برای اهداف دموکراتیک و به مبارزان سازماندهی را می یگال ترین نهضت دموکراتیک و توده های وجود ندارد. چنین نهضتی تنها بکار آن حزب کارگری می آید که برای فراهم نمودن شرایط مساعدتر سازمان یابی کارگران و برای مشکل کردن و فشرده کردن صفوف آنها برای مبارزه در سوسیالیستی، از کوچکترین امکانات دموکراتیک استفاده نموده و می داند که انقلاب سوسیالیستی قبل از هر چیز برای تحقق خود نیاز به شکل گیری یک بلوک طبقاتی سوسیالیستی دارد و چنین بلوکی در شرایط رشد و ران دیگ لیزاسیون نهضت دموکراتیک هر چه سریع تر و شفاف تر شکل می گیرد.

برای حزب "کمونیست" کومهله ما بلوک طبقاتی سوسیالیستی و انقلابی های دموکراتیک حرفهای پیچ و بی معنا هستند. انقلاب سوسیالیستی این "حزب" نه محتاج سازمان یابی کارگری و نه نیازمند انکشاف مبارزه طبقاتی، بلکه تنها در گروهی معترضه یعنی حزب است. به اعتقاد این "حزب" حتی آگاهی سوسیالیستی به انداز کافی در میان کارگران ما وجود دارد، تنها لازم است آنها از بین چند نفر فرقه مدعی کمونیسم، سوسیالیسم اصیل نوع کومهله را تشخیص داد و بویسه آن روی آوردن تا این تنها عامل بازدارنده بر سر راه انقلاب سوسیالیستی نیز از میان برداشته شود. در اینجا نیز منطقی آشنائی عمل می کند که بر طبق آن اساس بقیه در صفحه ۹

پادداشت هیئت تحریریه

رفقا و دوستان پناهنده و خبرنگاران پیام کارگر

تمامی فاکت‌ها و شواهد موجود در کشور آلمان فدرال نشان می‌دهد که جناح‌های راست‌حاکم در تعقیب سیاست تشدید فاشیسم بر پناهندگان و به اجرا گذاشتن قوانین مربوط به استرداد، همچنان با فشار می‌کنند. دادگاه‌های رسیدگی بسه پرونده‌ها نیز، علیرغم آنکه در موارد متعدد خود اظهار داده‌اند که دلائل سیاسی متقاضیان قانع‌کننده بوده است اما اقامت‌گناه پناهندگان را در کشور پاکستان بعنوان دلیلی برای رد تقاضای آنها و استرداد به کشور مذکور ذکر می‌کنند. مانع تراشی و بهانه‌گیری برای یا یمال کردن حقوق دمکراتیک پناهندگی شونده‌ای است که مدت‌هاست از طرف دادگاه‌ها به پیش گرفته شده است. مجموعه این تخیفات و بلاتکلیفی‌ها تا شیرات بد و مغربی بر زندگی و روحیات پناهندگان بجا گذاشته است. پیام کارگر برای افشای این سیاست‌ها و پیوستگی دلائلی که دادگاه‌ها ارائه می‌کنند و برآی نشان دادن وضعیت واقعی پناهندگان احتیاج بسه فاکت‌های متعدد دارد. ما برای برانگیختن حمایت مردم و سازمان‌های دمکراتیک این کشور از حقوق انسانی و دمکراتیک پناهندگان بیدیه فاکت‌های مشخص وزنده و آمار و ارقام تکیه کنیم. بنا براین راه پناهندگان که خودتجمعی این وضعیت ناگوار هستند می‌خواهیم هرگونه اطلاعاتی در این زمینه‌ها را در دسترس قرار دهیم تا از شرایط زندگی ردی‌ها و بطور کلی تا شیرات منفی که این سیاست‌ها بر زندگی پناهندگان بجا گذاشته برای پیام کارگر بفرستند. خبرنگاران پیام کارگر در آلمان فدرال نیز در این رابطه وظیفه ویژه‌ای برعهده دارند.

دانشمارک :

بدنبال رهنمود کمیته خارج از کشور سازمان جهت شرکت فعال در تظاهرات سراسری علیه فاشیسم و نژاد پرستی در ۲۳ آوریل در کشورهای مختلف اروپایی، رفتای ما در شهر کپنهاگ اقدام به یک اتحاد عمل با نیروهای سیاسی ایرانی جهت شرکت در این تظاهرات نمودند و بوسیله یک فراخوان و اعلامیه مشترک همه نیروها و عناصرتقی و بدکرات رابه این تظاهرات دعوت کردند. در روز ۲۳ آوریل نیروهای ایرانی تحت نام "بخشی از نیروهای برگزار کننده هیزکتاب" در این تظاهرات شرکت نمودند. در این تظاهرات هزار شرکت‌کننده با شعارهای ضد فاشیستی و ضد فاشیستی از دیدان "فرد هوسر - پلاش" (میدان شهرداری) حرکت کرد و بعد از نیم ساعت توقف در جلوی پارلمان دانمارک که تمام با اجرای موزیک بود به طرف سفارت فرانسه حرکت کردند. تظاهرات با اجرای موسیقی و پاسخگویی تندی چندادندار کپنهاگ و همچنین یک ایرانی خاتمه پذیرفت.

اعلامیه مشترک

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

باردیگر اول ماه مه فرا رسیده است. روزی که مدتها قبل کارگران در سرتاسر جهان دست از کار می‌کشند و بسا در دل‌آوردن کارگران شیکاگو و دیگر مبارزان بخاک افتاده در راه و سوسیالیسم را می‌میدارند. این روزها در خصلت جهانی مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری است. مبارزه پرولتاریا علیه سرمایه داری جهانی برای تصرف قدرت و برقراری سوسیالیسم مبارزه‌ای است که مرزهای آن است که مرزهای خودنظمی است جهانی و بی‌طبقه کارگر در یک کشور خودمهم‌ترین کمک به مبارزه پرولتاریا در سایر نقاط جهان است. انترناسیونالیسم در کردار یعنی مبارزه برای سرنگونی بورژوازی "خود" و کمک به مبارزه پرولتاریا در دیگر کشورها نیز معنای جزایی ندارد. اول ماه مه سلسله این انترناسیونالیسم و تجدید عهد مدتها قبل کارگر در مبارزه مشترک برای سرنگونی بورژوازی جهانی است.

تصور سیاسی جهانی از زمانی که انترناسیونال دوم روزگشا شیکاگو را روز کارگر اعلام کرد به کلی دگرگون شده است. پرچم فترت پرولتاریا در پیش از یک سوم کره خاک از ویتنام تا کوبا، از شوروی تا آنگولا در اختیار است. در مقابل، پیروزی انقلابات پرولتری با کمک و هدایت پرولتاریا و پیروزمند کشورهای سوسیالیستی خود دفاع از دستاوردهای ثاکونی سوسیالیسم را آسان تر کرده و با کردن بخش با زهم بیشتری از جهان از دستار اقتصاد سرمایه جهانی به دستکارها در دوگانه سوسیالیسم را می‌میراند. سال گذشته نیز جهانی تا حد پیروزی تصرفی اردوگانه سوسیالیسم برای طمع و خلع سلاح هسته‌ای بود. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با بسیج میلیونی افکار عمومی جهانی، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را وادار به عقب نشینی کرده و برای اولین بار یک شل کامل از سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های میان بردار زمین برداشته‌اند. این یک پیروزی مهم علیه میلیتاریسم و سابقه تلخ آن است.

حفظ توازن قوای هسته‌ای و نظامی و در همان حال تلاش برای کاهش سطح توازن به حداقل ممکن امکان‌هاست. پرولتاریا را در سبب‌ها با پیروزی و کب قدرت سیاسی در نقاط مختلف جهان بیشتر میکند. بی‌اشکوب کردن "ناتاناشی" و تجدید به یکا رگیری سلاح‌های هسته‌ای در مقابل به با انقلابات پیروزمند از مهم‌ترین دستاوردهای سیاستی اردوگانه سوسیالیستی در مبارزه برای طمع و حفظ توازن قوا با امپریالیسم است. در نظر گرفتن این رابطه بی‌پیوسته میان طمع و انقلابات تخطی نا پذیر است. لنینی در این عرصه است. در کارزار جهانی علیه سرمایه داری، پرولتاریا و کشورهای مترقی و همکارها با آنها جنبش‌های رها نشین از آفریقای جنوبی تا شیلی، از آلبانی درون فیلیپین و فلپین هر روز مبارزه‌ای بدین بر می‌دارند. کارگران در اول ماه مه مدافعین پشتیبانی از مبارزه برای طمع و خلع سلاح هسته‌ای، حمایت از انقلابات و جنبش‌های ملی و پیروزی بی‌شکست برای شخبرت‌گرایی نوین، در مبارزه علیه سرمایه داری را سرلوحه شعارهای خود قرار میدهند. چه در سنگاپور، بئروت و در برقراری سوسیالیسم در سرجان نشسته است.

طبقه کارگران در شرایط دشواری به استقبال اول ماه مه می‌روند. به تنهایی بحران اقتصادی قدرت یافته و هیچ چشم‌اندازی در خروج از آن وجود ندارد. بلکه جنگ ارتجاعی بران و عراق همچنان ادامه یافته و بدتر از آن عرصه‌ها از جبهه‌ها به شیرها کشانیده شده است. بسیاری از موشکی شیرهای بزرگ هر آنچرا که از اقتصاد دیمسار سرمایه داری ایران باقی مانده بود در آن سه تلافی کامل قرار داده است که بسبب خود می‌دهد. عینی خیزش‌های توده‌ای را فرا هم کرده است. در کنار مبارزات پیگیر کارگران، مقاومت خفقانی ایران بویژه خلق قبرستان کرد در مقابل با بیورش ستار ارتجاع اسلامی و رشد مبارزه روزافزون آنان برای دفاع از حقوق دمکراتیک‌شان، عرصه را بر رژیم مردمی ولایت فقیه تنگ تر کرده است و بدین ترتیب پیوسته مبارزات طبقه کارگر با زحمتکشان و خلقی تحت شکست که در میان سوسیالیسم و رژیم مردمی اسلامی سرکوب میشوند، هر چه بیشتر تشدید شده است.

ادامه جنگ و بحران نفت که به کاهش فاحش درآمد‌های ارزی و ریالی رژیم جمهوری اسلامی منجر شده است وضعیت را بدتر کرده که حتی از لازم برای واردات ما به نیاز ضروری توده‌های مردم وجود ندارد. این درحالی است که جنگ بیش از ۴۰٪ از بودجه عمومی دولت را می‌بلعد. کسب بودجه عظیم (یک سوم کل بودجه) در کنار روکید تولید و عده یک تورم چندده درصدی را می‌دهد و قدرت خرید نا چیز مردم با زهم سقوط خواهد کرد.

ادامه سیاست نظامی کردن اقتصاد و تخصیص "سهم شیر" به جنگ و نیروهای سرکوب معنای جزا که با زهم بیشتر فاعلیت تولیدی، تعطیل کارخانجات و موسسات تولیدی و اخراج با زهم بیشتر کارگران نخواهد داشت. آنگاه همین رژیم ویرانگر و دمدمن در بلندگوهای تبلیغاتی، تصویب "قانون کار" اسلامی خود را بعنوان "تدبیر" الی "به کارگران وعده میدهد. این همه تبلیغات حول قانون کار را راجع می‌بینی دلیل نیست، رژیم هنوز نیز سز و شکست‌های پیشین لویح پیشینای فوق ارتجاعی برای قانون کار را به یاد دارد چرا که مقابل به همانجه و دل‌آوردن متحدان کارگران در دموکراسی عقب نشینی رژیم شده بود. رژیم بخوبی از قدرت نهفته در درون طبقه کارگر آگاه است.

انتخابات تهران از زبان کاندیدها

"محمد رضا باهنر" در جلسه روز ششم اردیبهشت مجلس در باره انتخابات تهران چنین افشاگری کرد:

"در صندوق شماره ۲۲۴۹ علی رغم حدود ۴۷۲ رأی برای آقای زوارهای رای نامبرد مصغر و علی رغم حدود ۵۰۰ رأی برای خانم بهروزی رای نامبرد مصغر بود در صندوق شماره ۵۳۳ برخلاف واقع نوشته شده بدلیل استعفای باهنر رای وی نداشت نشد."

"متخصصین و مجرمین در امر انتخابات معتقدند اگر تمام ساعات روز رای گیری در پای صندوق، صاف وجود داشته باشد، امکان اخذ رای در حدود ۱۵۰۰ یا حداکثر ۲۰۰۰ عدد وجود دارد، در حالی که در تهران صندوقهایی داریم که دارای ۴۰۰۰ برگه رای می باشد"

تصمیمات جدید وزارت خارجه رژیم

وزارت خارجه رژیم جمهوری اسلامی با افزودن بر معاونان وزیر و تقسیمات جزئی تر، تقسیم کار جدیدی را در وزارت خارجه خود سازمان داد. بر اساس این طرح مناطق جهان به سه حوزه جغرافیائی تقسیم

شده که هر حوزه زیر نظریک معاون وزیر اداره خواهد شد. هر حوزه معادل وزارت خود به سه منطقه کوچکتر که هر یک از زیر نظریک مدیران ارشد می شوند، تقسیم شده است. با این طرح، مجموع کشورهای جهان به ۱۸ منطقه تقسیم شده است و ادارات مربوط به آنها از ادارات و نا هیجده هم نامگذاری شده است. به نظر می رسد رژیم جمهوری اسلامی با افزودن بسیر بیروکاری سنگین وزارت خارجه خود و جمع کردن پرسنل زیاد در آن، حال نیک درجه های گوناگون جنگ با این بست رو بر او شده است، قصد دارد فعالیت در بیله تیک خود را افزایش داده و فعال کند، تا چند صباحی دیگر از این طریق برای تنفس خود زبان بخورد!

فروشگاههای آزاد در فرودگاههای ایران ایجاد شد

رژیم جمهوری اسلامی در پی بحران ارزی برای تدوین جنگ خانمانسوز و ارتجاعی خود بعد از ارزی کردن خرید بلیط هواپیمائی کشوری، برای دریافت با زهم بیشتر ارز در فرودگاههای کشور (فری شاپ) فروشگاه آزاد ایجاد کرده است.

عراق فاپس گرفت

در حالیکه رسانههای گروهی جهان از دوهفته قبل خبر باریز گشته شدن "فاو" توسط ارتش عراق را منتشر می کنند و تلویزیونهای کشورهای اروپائی گزارش مصور آنرا نشان می دهند، رژیم جمهوری اسلامی برای پنهان کردن شکست خود در "فاو" در این مورد سکوت اختیار کرده است و تنها بطور آهسته در راپلای خبرها و صحبت ها بدان اشاره می کند. خانمهای در رنظ جمعه روز و مادر بیبهشت با حمله بآمریکا و صدام بهما جرای نا و شار نمبود و کین ۲۸ فروردین خبر انتقال بیماران کویتی که در اثر دباران شیمیائی فاو و انتقال گازهای سمی به سمت کویت توسط باد مصدوم شده اند را درج کرد. ماست این خبر را کینان با عنوان "گروهی از بیماران کویتی ناشی از دباران شیمیائی عراق در جبهه های جنگ به شیراز منتقل شدند" درج کرده و آنها در رنظ خنیر چنین نوشته است: "این عده ساکن "فاح حیلک" (بین مینا احمدی و فنتاس) بود که به علت استفا در رژیم عراق از گازهای شیمیائی در نا و و حاشیه خلیج فارس و انتقال این گازها بوسیله باد به منطقه مذکور پیدا شده اند. گفته شده عده ای نیز به بیمارستانهای کویت منتقل شده اند." اینها نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با پنهان کردن خبر فاو موفقیت های محدود خود در جبهه های شمال را مورد تبلیغ قرار دهد و از این طریق بتواند افکار عمومی جهان را نسبت باینکه رژیم عراق در حال سقوط است، مشوش کند. اما رژیم اسلامی مجبور شد وقوع حمله ارتش عراق به فاو را در روز ۲۹ فروردین قبول کند. ولی برخلاف رسانههای بین المللی، شکست های خود را انکار کرده و ادعا نمود کلی اسیران عراق در فاو گرفته است.

نتیجه انتخابات دوره سوم مجلس رژیم اسلامی

طبق آخرین نتایج شمارش آراء اعلام شده است که ۱۴ تن از نمایندگان تهران به مجلس راه یافتند و انتخاب ۱۶ نفر بعدی به دردم کشید شد. ماست در سراسر کشور ۱۸۸ نماینده در در اول انتخاب و ۸۲ تن دیگر برای در دردم پاتی ماندند.

با فشارهای سیاسی، اقتصادی واید و لویژیک که جناح خط امام با رهبری خود خمینی بر طرف مقابل یعنی جناح بازار وارد کردند نمایندگان مشهور آنها را به تملیست راندند. از جمله کسانی که انتخاب آنها بعد دردم کشید شد ماست، انفراد بسیار "محترم" و معروفی مثل علی اکبر ناطق نوری (وزیر کشور سابق) در ۲۶، محی الدین انواری در ۲۷، سعید رجائی خراسانی در ۲۸، محمد یزدی در ۳۰ و حبیب الله سگراولادی در ۳۲ ام لیست انتخاب شدند. اما در شهرستانها وضع مثل تهران نیست. هنوز نتب بقیه ۵، صفحه ۱۴

تشکیلات جدید روحانیت خود را

سازمان می دهد

می کنند. شورای مرکزی گروه مشعب روز ۴ فروردین تشکیل جلسه داده و حجت الاسلام کربویی را به عنوان دبیر و جلالی خمینی، محمد علی الثماری، محمد علی صدوقی، سید محمد علی بطحی، نظامزاده و موسوی لاری را به عنوان اعضاء هیات اجرایی "روحانیون مبارز" انتخاب و معرفی کردند. لیست اعضاء شورای مرکزی این تشکیلات ضد مردمی جدید از اینقرار است:

در پیام کارگزار شماره ۱۹ خبر اشعاب بزرگ در جامعه روحانیت مبارز تهران را در آستانه انتخابات مجلس اسلامی رژیم فقها که با توافق و دستور خمینی برای غرق جناح خط امام در انتخابات و توقیف ارتباط اطلاع خوانندگان رساندیم. گروه مشعب که همما غلب از درباریان و نزدیکان خمینی هستند تحت نام تشکیلات "روحانیون مبارز تهران" پس از ارائه لیست جداگانه برای انتخابات تهران و موفقیت آنها، اکنون ارگانهای مرکزی خود را سازماندهی

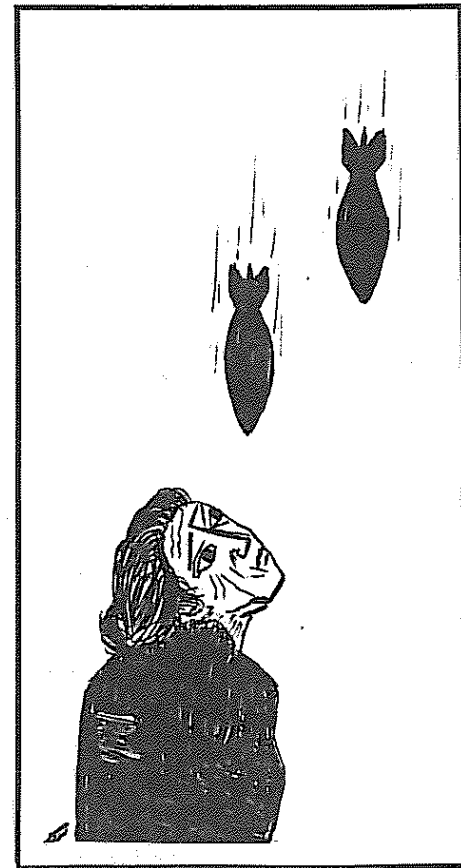
اسلامی ایران - حمید روحانی مورخ و مسئول مرکز اسناد انقلاب اسلامی - موسوی لاری از اعضاء شورای حج - کیان لرنی نماینده مجلس شورای اسلامی - محمد رضا توبلی عضو دفتر حضرت امام، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیرخانه مرکزی الهی جمعه - مجید انصاری رئیس سازمان زنانها و اطلاعات تابعی و تربیتی کشور و نماینده شورای عالی قضایی - محمدعلی نظامزاده نماینده حضرت امام در اوقاف و عضو موسسه جامعه الزهراء - محمد خانی وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی و نماینده امام و سرپرست موسسه کیهان - علی اکبر محتشمی وزیر کشور و عضو دفتر حضرت امام - سید محمد هاشمی عضو دفتر حضرت امام و نماینده شورای عالی قضایی در شورای سرپرستی صدا و سیما و دبیر این شورا - محمدعلی صدوقی عضو دفتر حضرت امام و معاون شورای عالی قضایی - سید تقی درجهای امام جنت در منطقه شهرری - عبدالله بیات نماینده مجلس و مسئول و عضو هیات رئیسه موسسه مسجد جامع تارمک - هادی بخاری نماینده مجلس و مسئول موسسه الیادی - محمدعلی رحمانی عضو دفتر حضرت امام و فرمانده بیخ منتخفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - صادق خلغالی نماینده مجلس شورای اسلامی - منتجب نیا نماینده مجلس شورای اسلامی - عیسی ولایی نماینده مجلس شورای اسلامی.

لازم بتوضیحات که اعضای شورای مرکزی روحانیون مبارز تهران را افراد زیر تشکیل می دهند.

جلالی خمینی نماینده امام و امام جمعه خمین - سید محمود دعائی نماینده امام و سرپرست روزنامه اطلاعات، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو دفتر حضرت امام - سید محمد ابطعی مدیر صدای جمهوری اسلامی ایران - سید سراج الدین موسوی عضو دفتر حضرت امام، مسئول حفاظت منطقه چهاران، نماینده امام و فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی - محمدحسن رحیبیان عضو دفتر حضرت امام، مسئول مجله پاسدار اسلام و استاد دانشگاه - مهدی کربویی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، نماینده امام و سرپرست جناح ایرانی و نیز نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی - امام چهارانی نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - حسن صانعی عضو و مسئول امور مالی دفتر حضرت امام، نماینده امام و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد - محمدعلی انصاری عضو دفتر حضرت امام و مسئول دفتر سیاسی فرهنگی حضرت امام - موسوی خونیانی دادستان کل کشور و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام - علی اکبر آشتیانی عضو دفتر حضرت امام و نماینده امام و مسئول عقیدتی - سیاسی ژاندارمری جمهوری

نامه‌ای از ایران...

بنام می ریزد، شهری دروپیگری که همه گریختگان و خانه خرابها و کوچ داده شده‌ها را در خود جا داده بود، حالاً درمی گریزد، به پارک جنگلی با یک چادر و آلورود فترجه - به جا ده‌ها، به شمال، به حوالی کرج، آبعلی ورودن و دیوار جمع می شود و بر - می گردد، برای کاروان، برای استراحت، همه جا در خانه‌ها اختلاقی فرسوده، از یادرفته دوباره به یاد آورده می شود، اختلافات منسوخ بیشین سو می شود، بگویم گویا، دعاها، دلخوری‌ها، پس از چند روز، این جمع‌ها از هم می گسند و دوباره به مشهد، دهات اطراف، خانه‌های دوست و آشنا و دوباره همین تهران، عده‌ای هم که در پناهگاه‌ها اطلاق زندگی می کنند و هر شب در تلویزیون نشان داده می شوند و می گویند که البته بیدکار را یکسر کرد! آخر تکلیف ما را معلوم کنید، کی معلوم کند؟ بزرگان اجتماع که آن بالانشسته‌اند؟ یکی دیگری بردنوی حرفش... منظور این است که دستور بدهند همه بیرویم جها دوکار را یکسر کنیم! زنی بجهت بغل می گوید: واللہ یک دفعه بگویند همه مرده‌ها بیرون بجهت، دستور جها بدهند که دیگر راحت شویم!... میدانی یک سناریوی تکراری... را دیوهم که با سو استفاده از موقعیت واجب مردم به گسوس کردن آن بخاطر آژیر مدام، حرافیه‌ای بسیار خسته کننده را بخش می کند، مثلاً لاساعت یا زده و ربیع شب است که داردا زاساتیدی یا دمی کند که یکی از آنها، شب که به خانه می آمده از کارهای نیکویش این بوده که عمده خود را می نسته و می گذاشته خشک شود!!! و بعد به فرائض دیگری برده خسته و دیگر استادانش هم بسیاردا نشمنده اند!!!... بگذریم.....



کرج ماهی ۳۰ هزار تومان است با بیمه ریه‌های پوستی و عوارض جانبی، در ورودن و "آبعلی" هم همینطور، اما در پارک جنگلی تهران - یک چادر یک والوریا یک دفترچه سیج - را مجاناً به یک خانوار ما شت می دهند.

یکشنبه ۲۸ فروردین
دیروز سه منطقه را با موشک زد، اولی "دریان شو" بود، موشک درست با لای سرما، انگار روی آسمان منفجر شد، تلفنخانه نزدیک خانه بودیم، همه مردم روی زمین خوابیدند، شیشه‌ها بطور براه کشته شد، یکی دیگر از موشکها هم به گرمخان حوالی ویلا و یکی هم به تهران پارس خورد است.

امروز هم یک موشک به خیابان دولت، یکی به خیابان وحیدیه، یکی هم به پانین شهر خورد، از زمانی که آژیر می کشند ۴ الی ۵ دقیقه فرصت داری که به پناهگاه بروی و اگر بعد از ۶ - ۷ دقیقه خبری نشد، شهرستانی مثل قم یا اصفهان را زده و گرنه روی تهران که رسید، نقطه درخشانی را می بینی که سرعت درمی رسد و سپس در جانی از آسمان، موشک با صدای مهیب از جرد می شود که حاصلش یک لکه بزرگ دود و یک خط سیخ است، موشک با زاویه‌ای حدود ۴۵ - ۴۰ درجه گویا با سرعت چندین برابر صوت به زمین میرسد، یعنی فاصله دودها چند ثانیه بیشتر نیست، موقع وضعیت قرمز، سرها با

سایبان دست روبه آسمان است، آه... آمد... اوها... بعداً نفجا معمولاً پوک، بعد از جدا شدن از موشک مثل کافوی در دور دست آسمان رها میشود، تا کجا فرود آید، بدنه‌ای در حدود سه متر و ارتفاع یک متر و هشتاد سانت، مدارس و ادارت تعطیل است، آموزش دبستان صبحها و آموزش راهنمایی عصرها همراه با کارتن مدرسه موشها در سر آغاز برنا مه‌های درسی در صبح، یکی دوروز است که پیش می شود، در جانی قرار است یک ماه یک ماه به نوبت مرخصی بدون حقوق به کارمندان بدهند، معلمان قراردادی و حق التدریسی که فاتحه... بیشتر شرکتها و موسسات خصوصی که قربان شما... با زار که صحبتش را نکن، چند روز پیش برای سه روز پشت سر هم یک محدوده در اطراف با زار را می زد، یک کمی بالاتر و با نین ترولی مردمی گناه و بی دفاع را به خاک و خون کشید، ناخر و حوالی گاراژهای مسافری هم بی نصیب نماند.

بهر حال این زندگی‌های پر زحمت و تا حدود زیادی عذرت شده، با لایم ریخته و با بیگاریها و درآمدهای کم و گرانیا معلوم نیست که آینده مردم کمتر از متوسط - صرفاً از نظر گذران روزمره - چه خواهد شد، در طول مدت این هشت سال جنگ هیچوقت اوضاع را چنین آشفته و مملکت را چنین سردرگم و پاشیده ندیده‌ام، اینجا آخرین پناهگاه است که دار

دوشنبه ۲۲ فروردین ۶۷
سلام، دیروز در خیابانها با نشان نبود، کاش دوامی آورد این بهار، چهره‌ها انگار پوست ترکانه بودند، نگاها سرشار از زندگی، همه آشنای هم بودند.

راستی مردم در قتل و کرامت نشاء و همدان چه کشیده‌اند، تهران طعم خاک تلخ جنگ خانمان برانداز را در ته گل و حلالا در می چشد، خیلی‌ها دچار ترس و خوف گریزنا پذیر شده‌اند.

قرعه برای مرگ داستانهای زیادی در مورد یک جاها می که موشک ویرانش کرده‌دهان به دهان نقل میشود، شهریا این کشور گسترده در دامنه البرز سخا و تمند در انظار بی جا شکا به سر می برد، صلح چه خوب است، حق زیستن خالی از خوف و وحشت، دیروز از خوف و اضطراب نشانی در چهره‌ها نمی دیدی، بجایش حرص و ولعی برای ارتباط و سرزندگی و خنده نشسته بود، زن‌ها و بچه‌ها و مردها، هر که را می دیدی طوری نگاهت می کرد، انگار بخواهند بگویند یا بگوئی، خوشحالم، خوشوقت که زنده می - بینمت، چه خوب است که شما هم زنده‌اید، وجود شما در شهر به من اطمینان می دهد، هوا چه لطیف و زندگی چه ارزش است... از غریبی خبری نبود، امروز دوباره سه نقطه و ده‌ها کانون زندگی بر باد در رفت زن‌ها، بچه‌ها و مردها، بافتار دستهای پلیس استقا مجبور تکمه‌ها محو نماندند، انفجار، دودی روی هوا با لای سرما، قارچی برخاسته از زمین، خانه‌ها و آدمهای سوخته و کانونهای نابود شده، در حوالی دفتر ما در کبودار لوس بازی برنا مسه کودک، حالا آژیر قرمز.

تلخی جنگ تازه آشفته‌ها و آشفته‌ها و آشفته‌ها خوابها و غذا و هوا و خیا با آنها و کوچهای تهسران افتاده و مزه شیرین ترین چیزها و لحظت را در گریز کرده است.

اما از یک تجربه بگویم، سوای دلداداری دادن‌ها و لبخندها و حرفهای امیدبخش بر لاسب آوردن، چیرگی ترس و خوف را می گویم، آدم‌ها این حس باید غلبه کند، لحظه بسیار زیاده و گذر و کوتاهی است، در عمق چشمهای مات یا پریشان و سرگشته نقش می بندد، بی بی سی داشت شرح مبسوطی در مورد انواع و اقسام سلاحهای شیمیایی و میکروبی و... می داد که تلویزیون هم در برنا مه بنیاد شهید قیلم اعزام مجروحین بمباران شیمیایی رژیم سفاک عراق را در حلبچه، به اروپا و امریکا نمایش می داد، در نمایش تلویزیونی همراه با شرح و تفصیل بی بی سی بوی خوفناک و تیسره نیستی انسانهای بی پناه و امیدهای تاراج شده و کانونهای خانه‌های بر باد رفته و سر به نیست شده، در زمان وجود آدم رخنه می کرد، زنی در چادری مشکی، کوزه قدبا عینکی تیره همچون ابلیس با لای سر اجناسوخته انسانهای بی نام و نشان ردیف شده در برانگاردها که سطح هوا پیما را پوشانده بود، چهره می نمود، نتیجه یک ظفر حاصل یک پیروزی، با ورت می شود که یک اتا ق، در شمال و اطراف

برزیل:

بحران سرمایه‌داری و ریاضت اقتصادی

بحران اقتصادی که ورشکستگی دولت نظامیان را به همراه داشته و باعث گردید تا با وساطت امپریالیسم آمریکا و سازش اپوزیسیون بورژوازی با ژنرالها، دولت غیرنظامی با ظاهری دموکراتیک روی کار بیاید، کماکان ادامه دارد. در حقیقت امر نه تنها در راس وزارت خانه‌های متحد و یاران و همدستان ژنرالهای سابق قرار دارند بلکه سیاست اقتصادی دولت جدید، به ریاضت خوزه سارنی، نیز نعل به نعل از برنا به نظامیان اقتباس شده است. بورژوازی چنین حساب می‌کرد که وجود مشروعیت خود مایه برقیابی دولت کما حدایت میلیونی توده‌ها به جای دولت ژنرالها نشست است به تنهایی برای سفت کردن کمر بندها، خروج از بحران و پرداخت بدیهی یک صد میلیارد دلاری برزیل کافی خواهد بود. وجود فضای دموکراتیک و برگزاری دوا انتخابات که پس از سالیان در حکومت نظامیان و بخصوص "جنگ کثیف" در همه‌جا در میانه‌ی برگزار شدند، به توده‌های کارگران سابر حقوق بگیران و نیز دهقانان لاتیفوندا یا هاما مید موهوم "حل مشکلات" را داد و نبود اما آنچه دولت تدارک دید یک ریاضت اقتصادی دشمن، عدم تعرض به ملاکان سرمایه‌دار و به‌فصله‌کوتاهی تهدید کارگران و دهقانان معترض به سرکوب بود. حضور فعال بورژوازی بزرگ زمین‌دار، که بخش مهمی از صادرات و درآمد ارزی کشور را به خود اختصاص می‌دهد، در نهادهای دولتی و بیوزنه سلطنت‌دار پارلمان باعث شد که به اعتراف خود وزیر کشاورزی و اصلاحات ارضی، حتی ۱۰٪ طرح نیمه‌د اصلاحات ارضی نیز اجرا نشود. در عوض زده‌خوردهای خونین میان کارگران کشاورزی، دهقانان بی‌زمین به‌ساز مزدوران مسلح اجیرملاکان سرمایه‌داران هستند. کشته به‌جای نهادن زده‌خوردهایی که دیکر به یک خرید ائمی در مطبوعات برزیل تبدیل شده است. با تعمیق بحران و سنگین تر شدن بدیهی خارجی دولت تعرض به سطح زندگی کارگران را از سر گرفت. در شرایطی که تورم به حد ۱۸ درصد در ماه (یعنی بیش از ۲۱۰ درصد در سال) رسید است، دولت حقوق کارکنان موسسات دولتی را "منجمد" کرده و نرخ خدمات دولتی، بویژه آموزش و پرورش را بالا برد. افزایش قیمت توسط بخش خصوصی نیز مجازند است. مجموعه این تصمیمات به معنای سقوط قدرت خرید توده‌های کارگران و کارکنان دیگر و نیز طاقت فرسا شدن زندگی برای زانغ‌نشینان شهرهای ریودوژانیرو و برازیلیا بود. از طرف دیگر موج رسوائی‌های مالی، فساد دولتی و ورشکوه

ادامه از صفحه ۵

حزب "کمونیست" کومه‌له، انزوا ی بیشتر

نه‌سازماندهی جنبش‌ها و جنگیدن برای هم‌مونی در درون آنها، که سازمان دادن ایدئولوژیک و فرقه‌ای "توده‌ها" و "تشکله‌ها" می‌باشد. بی‌نیازی حزب "کمونیست" کومه‌له به توده‌های متشکل شده و آگاه، نتیجه منطقی این مقدمات بوده و بدیهی است که جریانی که به لحاظ برنامه‌های لزومی به تدارک قوای طبقاتی برای تحقق اهداف خود ندارد، از هرگونه ائتلافی به‌جز آنهایی که به "رشد" فرقه‌افزون و دوشدن بر اعتبار آن و یا تضعیف مخالفین کمک کند بی‌نیاز است.

از نظر ما، انقلاب کارگری که گذار بی‌وقفه از اقدامات رادیکال بورژوازی دموکراتیک به اقدامات انتقالی و سوسیالیستی را در ستور کار خود می‌گذارد برای تحقیق هر چه سریع‌تر و هر چه رادیکال‌تر این گذار نیازمند مولفین موقت و متحدین پایدار است. تحقیق چنین انقلابی فقط بر اساس یک برنامه‌نویسی روشن ممکن است و این برنامه راهنمای پیکار برای فراهم نمودن شرایط به‌ترتیب دموکراتیک تر به راه کارگران، یارگیری، از مولفین مبارزه دموکراتیک و شکل دادن به یک بلوک طبقاتی سوسیالیستی است. حزب "کمونیست" کومه‌له به این انقلاب کارگری و بد ضرورت شکل‌گیری هر چه سریع‌تر اتحاد کارگران و زحمتکشان اعتدالی ندارد، زیرا در بحران هویتی دست و پا می‌زند که مضمون آن در وی از ازمایش و لنینیسم و برنامه‌نویسی انقلاب کارگری است. چنین حزبی نباید هم به سیاست ائتلافی و در نتیجه ره‌نمودهای اعلی و روشن برای سازمان دادن مبارزات دموکراتیک توده‌های در خارج از کشور نیاز داشته باشد.

ادامه از صفحه ۴

طرح ایجاد یک سازمان مستقل زنان ...

- ۱- تحقیق در مورد وضعیت زنان بطور کلی و بویژه وضعیت زنان ایرانی و کمک به ارتقاء سطح آشنایی عمومی با مسائل زنان بطریق حل‌شان.
- ۲- فراهم کردن شرایط لازم برای گسترش همکاری میان زنان ایرانی و سایر سازمان‌های زنان در بریتانیا.

اقتصادی پاسخ گوید بشمار می‌رود. تا توانی دولت "سارنی" در غلبه بر بحران، تلغیرم وجود فضای دموکراتیک و "مشروعیت" اولیه نشان می‌دهد که تنها در کارهای بلک و سوسیالیسم نیز در رافق برزیلیان دیده می‌شود و راه غلبه بر بحران فراتر رفتن از چارچوب سرمایه‌داری موجود در برزیل است. کارگران برزیل در مبارزات خود آرام آرام به ضرورت این انقلاب آگاه می‌شوند و تجربه می‌اندوزند.

خواریهای کلان هر آنچه را که از "مشروعیت" دولت سارنی باقی ماند می‌داند با خود برد. کمیسیون تحقیقی "کما زجانب سنا توره‌ها برای رسیدگی به افشاگریهای مردم و مطبوعات تشکیل شده بود، موارد تنگنا در دهه‌های از سه استفاده توسط خود سارنی و پاندا و رومور با تیب قرار داد. برای مثال، روشن شد که از مجموعه ۳۰ میلیارد "کروسادو" (واحد پول برزیل) که به سوسید دولت در ایالت‌های مختلف اختصاص داده شده بود، بیش از نصف آن به در ایالت (از مجموع ۲۳ ایالت موجود) تخصیص داده شده‌اند. "سنا فا" این در ایالت زادگاه و پیکه خوزه سارنی و بازوی راست او "تکسی را" (Texeira) وزیر سابق برنامه که مجبور به استعفا شد، هستند. در همان معلوم شد که بین ۱۵ تا ۲۰ درصد این بودجه‌های دولتی کمک به عمران و توسعه ایالات توسط واسطه‌هایی که مگرسان در ترسی واقعی به این بودجه‌ها را فراهم می‌کنند "برداشت" می‌شود. این افشاگریها موجب از انزجار عمومی را دامن زدند.

در چنین اوضاع و احوالی دولت به‌صورت "سفت کردن" کمر بندها از جانب دولت با موجی از انتصاب و تظاهرات در سراسر برزیل روبرو شد. اتحادیه‌های کارگری، که در آن فعالین انقلابی چپ نفوذ بسیاری پیدا کرده‌اند، در دفاع از خواسته‌ها و سطح زندگی کارگران هیچ درنگی نکردند. ابتدا کارکنان بخش حمل و نقل و سپس سایر موسسات دولتی دست به امتصاب زدند. بدنیال موج اعتصابات کارگری، دانشجویان سپس دانش‌آموزان نیز به‌خیا بنا نهاده و کلاسها را تحریم کردند. در روز ۲۷ آوریل یک اعتصاب عمومی از طرف اتحادیه‌های کارگری بخش دولتی برگزار شد. کارگران و مستخدمان دولتی و سایر کارکنان شرکت کردند. در ریو، ساوپولو و دیگر شهرهای بزرگ تظاهرات غلیظی در اعتراض به سیاستهای دولت برگزار شد که در چند سال اخیر بی‌سابقه بودند. دولت در مقابل این مقاومت سازمان یافته و تقریباً بی‌ادرنگ کارگران و زحمتکشان برزیل عقب‌نشسته و مهلت خواست تا طرح جدیدی را ارائه دهد. اما کارگران در مقابل اینجا در قیمت‌ها و افزایش دستمزدها را پیش‌بنهاد کرد. مانند بدین ترتیب جنبش سازمان یافته کارگران برزیل دست به یک قدرتی ناشی باشکوه زد و توانست بخش مهمی از مردم، بویژه جوانان را نیز به همراه خود به حرکت وادارد. این پیروزی مهمی برای کارگران در مقابل یک دولت بورژوا که تا در نیست به بحران

معرفی کتاب

"خوب نگاه کنید، راستی است" عنوان گزارشی تنگان دهنده است از زندان، بقلم پروانه علیزاد، گزارشی از واقعیت، از درون سلولهای تاریک و سلولیان روشن، از انسانهایی که رنج شکنجه را بجان خریدند و ایستادگی می کنند و هم آنان که سراسر از بزم میروند.

نویسنده خود از قلب این واقعیتها سخن می گوید: "این نوشته گزارش مشاهدات من در زندان جمهوری اسلامی است و بدیهی است که بعد از زندان من ویندهایی که در آن بسربرد نام محدود می شود. این راهمی - دانم که از بعد بیان کامل همین جزو کوچک نیز برنیامد نام هر چه هست، گوشمای از واقعیتی است که در زندانهای جمهوری اسلامی می گذرد و بیان همین گوشما از واقعیت انگیز ماضی من برای نوشتن آن بوده است. تنها کوشش کرد نام که جز آنچه خود دید نام و جز به همان گونه که دید نام چیزی ننویسم. این نوشته را گاستی بسیار است اما افزودن نامی در کار نیست. حقیقتا نیز این کوشش احترام بر انگیزه ادقانه چیزی نیست مگر بیان عریان واقعیتهای زندان، گیرایی زبانیهای مقاومت انسانی و پستی و حقارت جلادان.

تغزوا نیز گزار از جمهوری اسلامی و عوامل شکنجه گرش در این کتاب بنا بر طریق صفت های داد هشد به افراد، که از طریق رابطه مستقیم و بی پرد هگا ملاساد ما شخص و قایع، منتقل می گرد. لحظاتی در د و شکنجه ندر پوششی از الفاظ توصیفی، که عینا به تصویر روی آید: "اولین ضربه که بل که به پای های برهنه ام خورد بلند شد موشک کرم بود وید در و راتی مرا گرفتند و خواباندند و این بار دستها و پاهایم را بستند و بعد شروع کردند به زدن. فریاد می زدیم. ضربه های کابل بر کف پاها، ساق، ران و کمر فرود می آمد، برای اینکه بر اثر تخلایی که می کردند چادر از روی سرم پس نروند و موهایم پیدا نشوند، پتویی روی سرم نداختند. (ص ۱۵) ۰۰۰ هفته ها می شد که یادی از خانواده مات نمی کردی. وقتی می شنودی دختر چهارده ساله ای زیر شکنجه فریاد می کشیدند ما مان ۰۰۰ مان، مُردم، چگونه می توانی بیاد کودکت باشی که تو را صدا می زند. (ص ۴۰) ۰۰۰

کتاب پیاپی گزارش از زندانهای اوین و قزل حصار در سال ۶۰ است. نویسنده از هنگام دستگیری خویش آغاز کرده و به تشریح بازجویی ها و شکنجه ها و وضعیت درون بندها می پردازد. آشنایی خویش با ساید در زندانیا و شرایط روحی و جسمی آنان می گوید. از بدنه های لشده در زیر شکنجه و قلبهای بزرگی که "سین سلول" هفت سین نوروزشان می شود و بدینگونه ته ویری عمیق وزیران زنگلهایی می دهد که در شب روئید ما ند ۰۰۰، ۰۰۰ بعد از رفتن پاسداریها رقص به راه انداختیم، ما دست می زدیم و با بدیها می رقصیدند. جشن مان تا ساعت ۲، ۳ بعد از نیمه شب طول کشید. اما فردا بدیها مجبور شدند به حاجی توضیح بدهند که زاینکه بد گرفتند نه تنها ناراحتند بلکه هرگونه رقص را نیز محکوم می کنند. (ص ۶۳) ۰۰۰ و این تصاویر که رعین زیبایی بیانگسار و مقاومت در برابر جلاد است با تمام سادگی توانی شکر در افتادگری علیه نظام سراسر و سرکوبگر جمهوری اسلامی دارد.

(آذر)

اعلامیه مشترک ...

ادامه از صفحه ۶

بدون تک کارگران ایران امسال نیز همچون سالهای پیش در گردمانی های سختی و مستقل خویش، اول ماه مه را در نکال گوناگون جشن خواهند گرفت و از این فرصت برای طرح خواسته های خویش و تشدید این گردمانی ها به یک اعتراض همه جانبه علیه جنگ، علیه خراجها، علیه اختناق، علیه ستروا ستشماروبا لایحه علیه رژیم جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران!
 سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!
 نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!
 مرگ بر جنگ، زنده باد صلح، زنده باد انقلاب!
 هر چه مستحکم تر با دپیوند خلقهای تحت ستروا ستشماروبا مبارزه می کنند با مبارزات طبقه کارگر!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خراج از کشور
 کانین فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - کمیته اروپا

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷
 اول ماه مه ۱۹۸۸

بیمه خانه ها در قبال جنگ !!

جزئیات طرح بیمه نا زل مسکونی در قبال خطرات ناشی از جنگ از سوی رئیس کل بیمه مرکزی ایران (بیمه دولتی) اعلام گردید، یکی از نکات جالب توجه طرح بیمه مزبور، یکسان گرفتن نرخ بیمه برای خطرات ناشی از بمباران شهرها توسط موشک و بمباران شیمیائی، با نرخ بیمه خطرات ناشی از آتش سوزی، انفجار، صاعقه، سیل و زلزله بر اساس سطح زیربنای واحد مسکونی است. یعنی صاحب خانه بیمه شد ما گزاره باران موشکی جان سالم بدر ببرد مبلغی را دریافت خواهد کرد که برای خسارت ناشی از آتش سوزی و یا صاعقه دریافت می نمود.

نکته جالب توجه دیگر طرح بیمه برای حوادث ناشی از جنگ ارتجاعی، نهادی شدن جنگ بعنوان حادثه های طبیعی و امکان پذیر رطسول حیات مردم کشورمان است. طرح مزبور سالانه ۲٪ ارزش امیانی ملک بودن بیمه را به جیب دولت سرانزیر خواهد کرد اما در صورت نابودی و یا خاک یکسان شدن زندگی، خانه و گاشانه مردم حد اکثر مبلغ حاصل از ضرب مترای مورد بیمه را مبلغ ۴۰ هزار ریال خواهد بود. یعنی برای خانه های با ۱۰۰ متر مربع مساحت در صورت نابودی آن ۴۰۰ هزار تومان پرداخت خواهد شد. با توجه به قیمت های سرسام آور خانه ها و منازل مسکونی در شهرهای بزرگ ایران که مورد حمله موشکی قرار می گیرند، پرداخت مترمربعی ۴۰۰۰ تومان، البته اگر از مواضع عقلی و دزدی های معمول و هزار جور وقت کشی و سر دوانی مردم صرف نظر نکنیم، کام زخم زندگی را علاج خواهد کرد؟

کوشش فدائیان در آلمان

اعتصاب غذا در اعتراض به جنگ

به دعوت و فراخوان شورای پناهندگسان سیاسی ایران در کوشش فدائو حومه با شرکت تعدادی از پناهندگان و اعضا، شورا یک اعتصاب غذای اعتراضی بمدت ۴۸ ساعت از تاریخ ۸۸/۴/۴ تا ۸۸/۴/۶ در دفتر سبزه ها ترتیب یافت. در طی این اعتصاب صدها اعلامیه در فضای جنایات جنگی رژیم جمهوری اسلامی و جنگ جنایتکارانه در میان مردم شهر توزیع شد. احزاب و جریانات مترقی از اعتصاب غذای ایرانیا ن حمایت کرده و با مردم رنج دیده ایران همدردی نمودند. اعتصاب غذا با صدور قطعنامه و افشای رژیم اسلامی و طرح محدود خواسته های زیربنایی یافت:

- ۱- قطع فوری و بی قید و شرط جنگ شهرها،
- ۲- اجرای فوری قطعنامه ۵۹۸ مورخه ۲۰/۷/۸۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه قطع فوری جنگ، اعلام آتش بس، بازگشت طرفین به پشت مرزهای بین المللی شناخته شده و شروع مذاکرات برای حل اختلاف دو کشور.
- ۳- قطع صدور اسلحه به طرفین درگیر، ایران و عراق، توسط شما می کشورها.

جریان توکل

به "منطق" روی می‌آورد!

اخیرا نشریه‌کار (شماره ۲۱۸، رگان جریان توکل، درستون یا سخ به‌نا هم‌ها، سوال وجسوا ب قابل توجهی را در باره وحدت با گروه‌های پستی‌های مختلف فدائی که طی سالهای اخیر منقسم و منشعب شده‌اند، درج کرده است.

سوال اینطور تنظیم شده است: "موضع سازمان در مورد مسئله وحدت با جریان‌های فداکاران ما س به همان برنام‌ها و کتابچه‌های سازمان معتقدند، مخصوصا جریان‌های که در دو سه سال اخیر از سازمان جدا شده‌اند، نظیر "هسته اقلیت" شورای عالی و نیروهای کمیته خارج از کشور سابق چیست و آیا راهی برای بیان دادن به این پراکنندگی وجود دارد؟

جواب هم‌ها: ختماً چنین است: "...طبق سند ما، همیشه حتی هنگامیکه اختلافاتی جدی در سازمان پدید آمده است، مخالف جدایی و انشعاب بوده‌ایم... چرا که این انشعابات در حالیکه هیچک از جریان‌های راکه از سازمان جدا شده‌اند، تقویت نکرده است، در کل سازمان را تضعیف نموده، "و با قدری تا مل" در مواضع "هسته اقلیت" مدعی می‌شود که اینها "همان مواضع سازمان را با زکومی کنند" و با لایحه: "هیچ دلیل منطقی برای جدائی نمی بینند و خواهان وحدت می‌شود و "بازر منطقی این وحدت را نیز یک کنگره وحدت می‌داند. (تا کیدها از ما است)

این با ربرخلاف همیشه سخن "مهربانان" است! اما خوب بود قیل از اینها این جریان با سخ میداد که چه شد این وحدت، حول "همان برنام‌ها و کتابچه‌ها" فروپاشید؟

البته توکل در یک کلام حکیمانانه گفته است: "منطقی برای جدائی نمی بینیم" یعنی آن‌جائی‌ها از روی بی منطقی صورت گرفته است. اما گویا فراموش‌شان شده که در آن زمان ستاد فرماندهی پرولتاریای ایران منطبق داشت: عنصر اصلی این منطق غریب عبارت بود از: "بگما تیز مواقد مسات پرسرو صدا در کرد! رسیاسی بعلاوه یک دنیا ادعای بی اساس حول نام فدائی و جمه قدری علیه این و آن!

انگار قرن‌ها از حوادث شرم‌آور ۴ بهمن و ماجراهای متعدد انشعاب و جدائی بعد از آن گذشته است که امروز می‌گویند: "مطابق اسناد ما همیشه حتی هنگامیکه اختلافاتی جدی در سازمان پدید آمده است، مخالف جدائی و انشعاب بوده‌ایم!". خوشبختانه یا بهتر است بگوئیم بدبختانه، آنقدر "سند" در باره این منطق وجود دارد که ز فورسند، دچار مضيقه‌ها می‌!

در یکجا جریان مذکور، منطق درگیری خونین ۴ بهمن را "نفوذ عوامل بورژوازی و توطئه خائنین به طبقه کارگر" میداند و از اعمال قهر علیه آنها دفاع می‌کند، درجای دیگری رفیق محمدرود محمودی این‌ها را "بخاطر مخالفتها و نیتها" با نند شه‌رهبری، "گپوتربرقیجی" و "عامل ضربات" و "تغییر جمهوری اسلامی" معرفی کرد، به مخالفینش "توطئه‌گران" علیه تنه‌ها سازمان انقلابی طبقه کارگر، "ویا تنگی که با بدبختی قهر انقلابی پیرونده سرا با تنگینش بسته‌شود!! لقب داد.

سخنگوی ستاد فرماندهی "که تمام اقوال فوق را با خود نوشته و با نظراتشان ما در گردیده است با کدجا رفتار موشی خاطر شده است؟! ایشان سخنانی می‌فرماید که اگر حرفهای دیروز و امروز را جدی بگیریم چنین میشود:

"ما همیشه مخالف انشعاب بوده‌ایم"، "مطابق اسناد حتی" با "عوامل بورژوازی و توطئه‌گران و خائنین به طبقه کارگر" "دلیلی منطقی برای جدائی نمی بینیم" و همچنین ایشان "تنگی که با بدبختی قهر انقلابی پیرونده سرا با تنگینش بسته‌شود" و "عنصر مشکوک و توطئه‌گر" را متحدین حزبی خود میداند و نیز معتقد است، "با عوامل بورژوازی و "توطئه‌گران" علیه طبقه کارگر، "برنام‌ها و کتابچه‌ها" واحدی دارند!

مطابق منطق جدید توکل، این همه انشعاب و جدائی (تجزیه کامل) "دلیلی منطقی" نداشته چرا؟ چون همگی یک برنام‌ها و احدا قبول داشته‌اند!

این حرف‌ها "کلام منطقی" بی اساس است! "منطقی" است، از این جهت که جریان‌های مذکور عمدتاً حول مسائل تشکیلاتی و کتابچه‌ها انشعاب و جدائی کشیده شده‌اند و هنوز هم هیچک از آنها برنام‌های مجزا اعلام نکرده‌اند.

بی اساس است، از این جهت که توکل برنام‌ها و التقاطی و کتابچه‌های برنام‌ها مورد نظرش را حقیقتاً برنام‌ها و کتابچه‌ها میداند! او هنوز بی‌سند نبوده است که "تفاوتها" اصلی بحران و بین بست و انشعاب‌های در پی، معلول سرلوحه قرار دادن چنین برنام‌ها است.

هنر این جریان تاکنون در این بوده است که بهنگام شروع فکر کردن‌ها و بی بردن به صفت کارها و خط و مشی غالب، با عبارت برداری‌های انقلابی و آنا رفیقتی، مانع دستیابی به راه‌حل‌های صحیح و رفع اشکالات جدی در برنام‌ها و کتابچه‌ها گردیده است و هر نوع شک و تردید به صحت برنام‌ها و کتابچه‌ها را بنوعی نفوذ عوامل بورژوازی و بی‌سندستی و انحرائی از بی‌سندستی کرده است و به آنان مستقیم

ادامه از صفحه ۱

جنا بیت عمال رژیم در سوئد

با کینه و نفرت نسبت به این وقایع یکبارچه با شعراهای کوبنده رسواگر جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب فلسطین و مردم ایران شدند. آنها شعرا رسیده دندتظا هرات تروریستهای جمهوری اسلامی را متوقف کنید. مزدوران جمهوری اسلامی را از سوئد بیرون کنید، مرگ بر رژیم خمینی، پلیس سوئد چون گذشته سیاست جانبدارانه از مزدوران جمهوری اسلامی را در پیش گرفته بود و در مقابل جنایاتی که آنان در میدان مرکزی شهر در جلوی چشمهای هزار نفر مرتکب شدند فقط زیر فشار مخالفین رژیم اسلامی اقدام به دستگیری سه نفر از حزب اللیبه‌ها نمود. گوشه‌های از وقایع انجام شده توسط او با شان رژیم جمهوری اسلامی به ایران نشان مخالف در هر دو کمال تلویزیون سوئد بخش گردید، در ماهی که کمال ۲ تلویزیون سوئد با محمد جوزانی کاردار سفارت ایران بعمل آورد، این جنایتکار حمله حزب اللیبه‌های مزدور را انکار و چاقو خوردن عده‌ای از مخالفین را به خنجر مخالفین نسبت داد، بدیهی است که کاردار مزدور جز این دروغ شرم‌آور، نمی‌تواند چیزی دیگری بگوید، اما بدبختانه نشان داد که یوزبیسون ترقیخواه و انقلابی در مقابل این اعمال جنایتکارانه سکوت نخواهد کرد، و در همه‌جا علیه آنها دست به افشاکاری خواهد زد، و در مقابل شان خواهد ایستاد.

بخصوص بر عهده نیروهای ترقیخواه و انقلابی در سوئد است که پیگیرانه موضوع را تا شناختن عوامل جنایتکار دشمن کنند و دولت سوئد و مسئولین مربوطه را که در این جریان از خود بی‌توجهی و کوتاهی نشان داده‌اند تحت فشار قرار دهند.

با کمک‌های مالی خود

سازمان را در امر مبارزه

انقلابی یاری رسانید

غیر مستقیم "توطئه‌گر" لقب داده است! اما امروز که به منطق روی آورده است چه؟ آیا با شعرا "وحدت" میتوان ریشه و علل انشعابات را شناخته باقی گذاشت وگامی در راه "وحدت" و اقصی برداشت؟

توکل اگر تعداد سوال دوم را اول جواب ندهد، به سوال اول که عبارتست از: (چرا سازمان شما بدبختی‌ها فروپاشید و سیم و نقش شما و "برنام‌ها و کتابچه‌ها" بعنوان پای ثابت یکطرف دعواها و بی‌بیزه‌نقشی که در ۴ بهمن داشتید چیست؟) تا گزیریا سخ خواهد داد.

● فرانسه

در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه که در تاریخ ۸ ماهه انجام گرفت، فرانسوا میتران برای بار دوم بعنوان رئیس جمهور ایران کشور انتخاب شد. با انتخاب مجددوی ژاک شیراک که دوره دوسال نخست وزیری اش همراه با شکستهای بی دربی بوده است، استعفا داده و "میشل روکار" از حزب سوسیالیست برای سرومان دادن به اختلاف با لیبرالها، از سوی میتران بمنسوان نخست وزیر انتخاب شد.

● لبنان

درگیری های خونینی در شهر بیروت بین حزب الله و مل بر سر کنترل منطقه غربی بیروت آغاز شده که طی آن طرفین با انواع سلاحهای سنگین بر علیه یکدیگر وارد کارزار شده اند. این درگیریها که در آن سوریها نبال را میکشند، مدتها بصورت کشاکش بین دو گروه بندی ارتحایی ادامه داشته و ایضا دبزرگان شان می دهد که سوریها دیگر نمی خواهند؛ محنت حزب الله را تحمل کنند! تلاش جمهوری اسلامی جهت خاتمه دادن به این درگیریها که تلفات زیادی را بر حزب الله وارد کرده، با شکست شدن مذاکتهای بی نتیجه طرفین درگیری، موفقیت آمیز نبوده است.

● نیکاراگوئه

بدینال مذاکرات صلح بین دولت ساندینیست و ضد انقلابیون کنترا، دانیل ارتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه کنترا را تهدید نموده که در صورت عدم بایبندی به قرارداد صلح، باید در انتظار یک حمله نظامی بزرگ از سوی ارتش باشند. بر طبق اطلاعات واصله پس از امضای قرارداد صلح، بین جریانات "میانورو" و "تندرو" کنترا اختلافات شدیدی بروز کرده است. جریانات ارتحایی تریه رهبری برموداس انفرسابق کار دملی موموزا، که در عین حال مسئول نظامی کنترا است، حاضر به پذیرش آتش بس نبوده و تاکنون چند هزار نفر از سربازان وابسته به گروههای دیگر کنترا را پذیرش فرمائده وی پس از بروز اختلافات خودداری کرده اند. در حالیکه دولت ساندینیست پیش بینینی می کند که در آینده جنگ عسلی بین طرفین بروز خواهد کرد. مقامات وزارت خارجه آمریکا آنها را به وحدت دعوت کرده اند!

● آفریقای جنوبی

دادگاه منطقه ای منطقه کاب، ۲۵ نفر سیاه پوست از "پابالو" را در قتل یک پلیس سفید پوست و یا تماشای بی تفاوت این قتل محرم شناخت. بر طبق "توانین جزائی آفریقای جنوبی"، ۲۵ سیاه پوست فوق الذکر ممکن است به سرگ محکوم شوند. وکیل مدافع افراد فوق در مورد اینکه بتو: تندرد! نگاه اول از دور حکم اعدام جلوگیری کند! اظهار بدبینی نموده است!

● آلمان فدرال

پس از ماهها مبارزه کارگران فولادراپسن-هاوزن - دویسبورگ با شرکت فولاد سازی کروپ، بالاخره در اوایل ماه مه طرفین به توافق رسیدند که طبق آن در سال ۱۹۹۰ این کارخانه بسته میشود اما شرکت کروپ برای بیش از ۵۰۰۰ نفر از کارکنان آن کار بگزین ایجاد خواهد نمود. برای حصول این توافق سوسیال دمکراتها تلاش زیادی نموده و نهایتا قول ایجاد کارخانه بگزین از سوی کروپ، تحت فشار این حزب داده شد. کارگران فولادراپسن هاوزن خیر ختم نهائی مذاکرات را توسط



مسئول "شور" کارخانه "دریافت کرده و عکس العمل آنها غالباً خشم آلود و پذیرش شکست نسبی بود.

● لهستان

کارگران فولاد سازی شهر نووا موتا در جنوب لهستان با شرکت بیش از ۱۶۰۰۰ از ۳۰۰۰۰ کارگران این کارخانه دست به اعتصاب زدند. خواسته اصلی اعتصاب کنندگان افزایش حقوق برای جبران افزایش قیمتی که جزئی از فرمایش اقتصاددی لهستان است می باشد. همزمان با این اعتصاب، چند حرکت بزرگ کننده کارگری با خواسته های مشابه صورت گرفته و بالاخره در کشتی سازی لنین در شهر گداشکا اعتصاب کارگری دیگری با شرکت ۱۰۰۰ نفر از ۱۲۰۰۰ کارگران این کشتی سازی شروع شد. خواسته این اعتصاب نیز افزایش دستمزد بود. در جریان اعتصابات فوق، فعالین سابق "تحدیه" همبستگی ضمن شرکت در اعتراضات خواستار مذاکره دولت با رهبران این "تحدیه" و رسمیت شناخته شدن آن بوده اند که از سوی دولت رد شده است. اتحادیه کارگری رسمی لهستان نیز خواست افزایش

● کلمبیا

عقوبین الممل گزارشی در مورد آدم ربایی و قتل های سیاسی که در کلمبیا صورت میگیرد انتشار داده است. این گزارش میگوید که قربانیان این ترور و خشکانه عمدتاً نیروهای کمونیست و عناصر چپ میباشند مستقیماً توسط دولت و ارتش سرکوبگر کلمبیا سازمان داده می شود. گزارش مدلل ساخته که جوخه های مرگ دست راستی مستقیماً توسط ارتش سازمان می یابند و بیش از آن خود سرویس های نظامی در قتل شرکت دارند. مطابق این گزارش در سال ۱۹۸۷ بطور متوسط در هر ساعت یک قتل سیاسی در آن کشور صورت میگیرد.

● سفلد - سوئد

روز جمعه هشتم آوریل تظاهرات باشکوهی از پناهندگان ملیت های مختلف ساکن کپ سفلد، به دعوت ایرانیها، عراقیها و کرد های ساکن همان کپ علیه جنگ جنایتکارانه و ضد بشری بین ایران و عراق در خیابانهای شهر برگزار گردید. تظاهرات ساعت ۴ بعد از ظهر با شرکت انبوهی از زنان و مردان ایرانی، عراقی، کرد، فلسطینی، لبنانی و شیلیایی سمت مرکز شهر آغاز گردید. شعارهای مردم با صلح بی خواهند، جنگ را قطع کنید، "مرگ بر جنگ، زندمیان صلح"، "بمباران شیمیایی حلبچه محکوم است"، "صدور سلاح بایران و عراق را قطع کنید"، "سرنگون باد رژیم ضد خلق جمهوری اسلامی" "قتل عام مردم کردستان را قطع کنید"، "دیکتاتوریک و اختناق را در سرانجام جهان محکوم میکنیم"، بصورت پلاکارد در دست راهپیمایان حمل می شدند و با فریاد همبسته تکرار می گردید.

تظاهرات کنندگان ضمن اجتناع در مرکز شهر و تظاهرات قطعنامه خود، اجتمع کنندگان سوئدی را برای اشتراک به صد و رسلاحهای مرگبار به کشور در حال جنگ ایران و عراق و اوضاع حاکم بر کشورهای لبنان، فلسطین و شیلی فراخواندند. تظاهرات کنندگان، با شعارهای مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام، مرگ بر پیروان، پیروان استقلال فلسطین، مرگ بر آدم کشی و جنایت در لبنان و عبور مجدد از خیابان اصلی شهر به حرکت اعتراضی خود پایان دادند.

انتقاد کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین غربی به پیام کارگر

به گزارش ما در مورد این سمینار انتقاد کرد با ست ما ضمن درج عین نامه و جمع بندی این کانون، پاسخ خود را ارائه می کنیم.

کانون مذکور طی نامه ای به پیام کارگر وارسال متن جمع بندی خود از سمینار آخن در آلمان فدرال،

سوئد - کوتنبرگ
"حقوق مساوی برای همه، سوئد برای همه!"
شنبه ۲۳ آوریل با دیدگرشماره ای "نژاد-پرستی را متوقف کنید!" "حقوق مساوی برای همه سوئد برای همه!" و شعارهای دفاع از حق پناهنگی با قریب دهای جمعیت انشویه در خیابان های کوتنبرگ طنین افکند. تظاهرات از جانب کمیته فدرال-پرستی (STOPPA RASISM) ترتیب یافته بود. رفقای ما در این راهپیمایی شرکت کرده و نشریه زندگی و ما رزه بینا هندگن را که از جانب هواداران سازمان در کوتنبرگ به زبان سوئدی منتشر شده است بطور وسیع در میان جمعیت پخش نمودند. یکی از رفقا در جلسه پایانی تظاهرات پیرامون ریشه های تاریخی و مادی و ما هیئت را سبب سخنرانی کرده که مورد توجه شدید حاضرین قرار گرفت.

برلین غربی

تظاهرات اعتراضی علیه اعداء و نفراز اعضا ANG در آفریقای جنوبی

روز شنبه ۱۶ آوریل برلین غربی شاهد

تظاهرات و راهپیمایی بیش از ۲ هزار نفر سراز

آلمان نیهای ترقی خواه و خارجیان مترقی و مبارز

بود. صدور حکم اعدام برای ۶ نفراز اعداء ANG

کنگره ملی آفریقا (از جانب دولت نژادپرست

آفریقای جنوبی این جمعیت خشمگین را به

خیابانهای برلین سرازیر کرد. سازماندهی این

تظاهرات برعهده کمیته نلسون ماندلا و گروهی

متعدد نژاد پرستی قرار داشت. سازمان نهی و

احزاب مترقی دیگری نیز بصورت حمایت کننده

در راهپیمایی شرکت کرده بودند از جمله

ALU (الترنا تیولیست)، حزب سوسیالیست

متحد برلین غربی، سازمان دانشجویان هوادار

PFLP (فلسطین سازمان ما از ایران، در طی

راهپیمایی بعد از خوانده شدن اعلامیه، تظاهرات

در خیابانهای مرکزی شهر یکی از رفقای ما

نوشته ای را در محکومیت جنگ ایران و عراق و در

دفاع از صلح برای جمعیت خواند. در انتهای

تظاهرات نمایی از ANG در مورد سیستم

نژاد پرستی صحبت کرده و همرا به با یکوت دولت

نژاد پرست آفریقای جنوبی فرا خواند. بعد از آن

خانم تریگیته را بن هارو زکند را سیون سدیگا

های آلمان DGB نیز در مورد نژاد پرستی و

محکومیت آن صحبت نمود. در پایان یکی از

هواداران PFLP در مورد جنبش خلق فلسطین و

سیاستهای دولت اسرائیل و تظاهرات با سیستم

نژاد پرستی حاکم بر آفریقای جنوبی مطالبی را

طرح کرد.

تظاهرات با شکوه تما مویا موفقیت خاتمه

یافت. بعد از پایان تظاهرات در نزدیکی سفارت

آفریقای جنوبی در برلین غربی، بین تعدادی از

جوانان خشمگین و پلیس درگیریهایی بوجود آمد

۳۸ نفر بطور موقت دستگیر شدند.

شماره: ۸۸۸۸۰/۳۷.....
تاریخ: ۱۹۸۸/۳/۱۸.....

رای لغو حکم اعدام مبارزه کنیم

به هیئت تحریریه پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) دوستان گرامی!

ضمن مطالعه مقاله "گردهمایی تشکلهای دمکراتیک در شهر آخن آلمان فدرال و ستاوردهای آن" در پیام کارگر ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) شماره ۱۴ سال اول نیمه دوم بهمن ۱۳۶۶ صفحات ۹ و ۱۰ متوجه شدیم که شما فقط از دو جمعیتی در این سمینار (آخن) صحبت ناعثه اید. توجه شما را به این نکته جلب میکنیم که در این سمینار جمعیتی ارائه نده که از جمعیتی سرم که متعلق به کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران برلین غربی میباشد در قرار شما اثری نیست.

خواهشمندیم که بر اساس احترام به اصول دمکراتیک و قانون ملیوعات و بر اساس احتیاط از هر گونه سوء تفاهم بعدی این جمعیتی را در ارگان خود چاپ ننمائید.

برای همه واحدها فرستاده میوه برای شمیمه به پروتکل جمعیتی کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین غربی از سمینار آخن

۱- سمینار آخن قادر نند به بحث بر روی بالاتریم بپردازد مجرا که این مسئله در بولتن سرتاسری مطرح و به مبارزه گذاشته نشده است. این مسئله امکالات فراوانی را در سمینار آخن موجب که قابل اجتناب بود. بنا بر این ما به هر دو جمعیتی رای مخالف میبیم.

۲- اتحاد عمل منحصر میتواند و بایستی انجام گیرد که بنا به پیشنهاد ما و تأیید کانونهای دیگر بصورت تظاهرات انجام خواهد گرفت. کانون دفاع عمیقاً اعتقاد دارد که این مبارزات میتواند تداوم یابد.

۳- کانون دفاع از عدم برخورد جدی اکثر قریب به اتفاق کانونها در ارتباط با مصوبات سمینار دارمقتات متأسفانه است و خواهان برخورد جدی در آینده از طرف این کانونهاست.

پاسخ هیئت تحریریه

همانگونه که از تیرتومتن جمع بندی این کانون برمی آید، جمع بندی مربوط به کل عملکرد سمینار آخن است و در حالیکه جمع بندیهای مورد نظر در گزارش ما مربوط به "حرکت گذشته و دانع آن و تعیین اصول دمکراتیک و هدایتی برای حرکت آینده" است. بعضی بررسی در دستور جلسه خود سمینار رود و نظری که در رون تشکلهای مطلق سمینار آخن وجود داشته است اما آنچه که بعنوان جمع بندی کانون دفاع از زندانیان سیاسی - برلین غربی آمده برخورد به

خود سمینار آخن، هر دو جمع بندی طرح شده در این سمینار را رد می کند بی آنکه جمع بندی مستقلی ارائه کرد باشد و آنچه بعنوان پیشنهادات عملی ارائه شد باز جمله تصمیمات سمینار آخن نیز بود که در گزارش پیام کارگر درگذرد با ست ما. بنا بر این ما نکات مورد نظر کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین غربی را بعنوان یک نظره مستقل که می بایست در کنار و نظرگاه دیگر قرار داده شود قابل طرح نمی دانیم.

گفتگوی شرکت کنندگان تظاهرات شبه نهم آوریل - بن

گزارش اعتراض ایرانیان و عراقیان مقیم نانت علیه جنگ

در اعتراض به جنگ ایران و عراق و تشدید حملات موشکی ایران و عراق ویدباران شیمیایی شهرهای کردستان عراق، عدای از ایرانیان و عراقیان مقیم نانت دست به یک سلسله گسیونهای افشاگرانه اعتراضی در تاریخ ۲۸ مارس ۸۸ زدند، که خبر این اکتسیون ها در روزنامه های محلی انشتسار یافت، نیروهای شرکت کنندنده خواستار مطالبات ذیل بودند:

- ۱- جهت جلوگیری از بمبارانهای شیمیایی دولت فرانسه، حکومت های عراق و ایران را تحت فشار قرار دهند و حکومت نهانند.
- ۲- فروش سلاح و مهمات به درد و کشور، از جانب فرانسه فوراً قطع شود.
- ۳- بمباران فرانسه، شورای امنیت خواهان تحریم بین المللی فروش سلاح به دولتین ایران و عراق بشود و فروشندگان سلاح را نقض کنندگان را محکوم نمایند.

پاریس - فرانسه از صفحه ۱

روز دوشنبه ۱۸ آوریل هزاران نفر از نیروهای انقلابی، کمونیست و بشردوست در شهر پاریس علیه حکم اعدام ۶ مبارز آذربایجان و یک مردویک زن هستند اقدام به تظاهرات و راهپیمایی کردند، این جمعیت که حدوداً ۱۰ هزار نفر تخمین زده شده است، با شعارهای ضدنژادپرستی، خواهان آزادی و لغو حکم اعدام انقلابیون شدند.

این مراسم که به دعوت حزب کمونیست فرانسه ترتیب یافته بود، از ساعت ۶/۵ عصراً زمیندان "باستیل" شروع و تا میدان "ریپوبلیک" ادامه یافت.

دانمارک

مراسم اول ماه مه

اول ماه مه مثل هر سال باشکوه بسیار در دانمارک برگزار شد. در کپنهاگ، اتحادیه های کارگری و احزاب و سازمانهای مترقی از صبح زود با صغوف منظم و یکپارچه به راهپیمایی پرداخته و به سوی پارک بزرگ شهر کپنهاگ حرکت کردند. شرط شرکت و را اختیار داشتن چادرتبلیغات، مخالفت با راسیسم، موافقت با همبستگی جهانی طبقه کارگر و مخالفت با دولت محافظه کار دانمارک که چند روز قبل ساقط شد، بود.

هواداران سازمان مثل هر سال، در مراسم امسال نیز فعالانه شرکت کرد و تبلیغات وسیعی انجام دادند.

کامل نظریه کارگرت: بعلا سخت بودن شرایط زندگی پناهندگان در آلمان و همچنین بالابردن میزان ردی ها در این منطقه، پناهندگان دیگر، شکلها و گروهها باید به توجه بیشتری نمایند و حرکات اعتراضی در آلمان را بیشتر منعکس نمایند.

خانم آرف ساکن در ورموند در پاسخ به سؤالات، ما چنین اظهار داشت: "من به همراه همسر و فرزندم خرد سالم در حالی که حامله نیز بودم مجبور به ترک ایران شدیم و از طریق پاکستان و سپس هند وستان در اکتبر سال ۸۶ خود را به آلمان رساندیم و تقاضای پناهندگی نمودیم. اولین دادگاه ما حد و ۹ ماهه پیش تشکیل شد. سؤالاتی که در دادگاه می شد بیشتر به تخمین عقاید شماست داشت تا به روشن کردن دلایل مهاجرت، بهمانیز لیل عبور از دو کشور فوق الذکر جواب برد دادمانند. در حالی که طبق اسناد غیر قابل انکار امنیت جانی فراریان ایرانی در این کشور در معرض خطر جدی است و اصولاً هر دو کشور اصلاً پناهنده قبول نمی کنند و این مطلب را با هر اسنادی که در دادگاهتان پیوسته در رابطه با ایرانیان اظهار داشتند. وی در ادامه ضمن تأکید کامل نظریه افزایش بایستی اقداماتی جدی از جانب گانهها و همچنین مراجع آلمانی هوادار حقوق پناهندگی صورت گیرد تا مقررات مربوط به عدم پذیرش پناهندگی کسانی که از کشور ثالث عبور کرده اند لغو گردد.

آقای جهانگیر ۴۴ ساله که ۲۲ ماه پیش وارد خاک آلمان شده، با بازی دادگاه ما اول راگ راند و جواب قبولی دریافت نمود ماست. وی ضمن همراهی بودن با نظریه ما تأکید کرد: "ما مشتاقانه می خواهیم که وطن خود را ترک می کنیم حتی ما را خطر جانی آنها را تهدید می کند و یا فشارهای غیر اصولی و غیر انسانی که از طرف رژیم بر آنها وارد می شود." بگفته آقای جهانگیر دادگاه ها میورگه و تقاضای عضوین المللی تعطیل گشته چون از ۱۴ آوریل پرونده ایرانیان رسیدگی شده در این دادگاه ۲۹ جواب ردی داد شده و آپرونده دیگری بلا تکلیف هستند.

ما حربه شوند و دیگر ما آقای طرف ۲۶ ساله بود که از سپتامبر ۸۶ وارد آلمان شده و هنوز در انتظار دادگاه بسر می برد. وی که در شهر لاند زبورگ (LANSBERG) در خانه ای در طبقه هم راه ۱۵ ایرانی دیگر زندگی می کند ضمن بر شمردن مشکلات بلا تکلیفی اظهار داشت: "در اداره موسیال ما ۱۶ اسپورت ایرانی به همراه ۴ اسپورت از پناهندگان اروپای شرقی به سرقت رفت ماست و اداره موسیال تاکنون هیچ جواب

در تظاهرات روز شنبه گفتگوی کوتاهی داشتیم با چند تن از شرکت کنندگان در این تظاهرات، که ضمن صحبت در مورد مشکلاتی که با آن دست یگری کنند نظراتان را در مورد شعار پیام کارگرمی بر پذیرش کلیه ایرانیان بدون تشکیل دادگاه جویا شدیم. همه شرکت کنندگان ضمن استقبال از نظریه ما و هم رأی با آن بر مسائل خاصی انگشت نهادند که قابل توجه است:

آقای م - الف از شهر رگنزیورگ (REGENSBURG) (بایرن)، سوم دسامبر ۸۵ وارد خاک آلمان شده و اولین دادگاه را در ۲ فوریه ۸۸ گذراند ماست. ولسی شعبه ۵، شعبه رسیدگی به پرونده وی تقاضای پناهندگی وی را رد نموده و اظهار داشته که: ما نمی فهمیم چرا شما ایرانیان در ترکیه یا پاکستان نمی مانید. شعبه میورگه پناهندگی پرونده شما را رد کرده و در مورد پرونده شما پرونده کلیه ایرانیان را معوق کرده تا در مورد وضع ایرانیان پناهنده در رگنزیورگ تحقیق نماید. بدین ترتیب افرادی باید همچنان در انتظار دادگاه ورم ماندند. م - الف که طی این مدت با مشکلات زیادی در راهیم (محل اقامت پناهندگان) مواجه بوده اکنون در معرض خطر بازگرداندن به پاکستان نیز قرار گرفته است. وی اظهار داشت: "در راهیم ما حد و ۱۰ نفری در انتظار دادگاه ورم هستیم و در این میان عاری های که شعبه ۵ (KAMMER-5) ما مور رسیدگی به پرونده ماست نگران خاطرترین آنانیم." وی ضمن پشتیبانی از شعار پیام کارگرت: "ما در نانتان گشته دست به تحریم غذای هاییم زدیم و بازن چاد روپا کسبی تظاهرات در مرکز شهر خواهان رسیدگی مسئولین به وضع ما ساعت مان شدیم ولی صدایمان بجائگی نرسید. برای کسب موفقیت در حرکات باید پشتیبانی جمعی از آن صورت گیرد و پناهندگان صرف نظر از وابستگی گروهی و عقیدتی باید مشکل شوند و همه گروهها از آنها حمایت نمایند. کانونهای پناهندگان خود می تواند محلی باشد برای اینکه مذاکرات راستین و غذوآاران اصلی پناهندگان بهتر شناخته شوند.

آقای م - س که از ۲۰ مارس ۸۶ وارد آلمان شده نیز در رگنزیورگ در همان هاییم بسر می برد. وی ضمن تأکید صحبت های م - الف هم می بیند خود گفت: من نیز پس از ۱۷ ماه بلا تکلیفی جواب ردی دریافت داشتم. در مورد منم دادگاه هم مسئله عبور از کشور ثالث، انگشت نهاد ماست و اکنون با گذشتن بیش از دو سال وضع من هنوز مشخص نیست. وی ضمن تأکید

ادامه از صفحه ۷ نتیجه انتخابات ... انتخابات نخواهید گزارشات متعددی از مخالفت انجمنه در انتخابات، رای سازی ها و عقاب ها و حذف اسم نمایند ها در روزنامه های جناحی مختلف درج شد ماست و همه یگر به عقب متهم کرد.

اند. فواد کریمی نمایند قبلی هوازد روز اول مجلس در سال جدید از خود دفاع کرد و گفت علیرغم حمایت و پیاد آقایی مثل رفسنجانی، مهدی کروبی، موسوی خوئینی ها و قائم مقام رهبری، منتظری، صلاحیت ایشان برای انتخابات تأیید نشده است.

ما و خوانندگان

سیروس - سوئد:

شما شما را دریا فت کردیم، مسئول صفحه هنری نشریه قصدها، رده بعد از بررسی همه جا نرسید آنها، نظر مشخص در مورد دریا فت، را به شما ارائه دهم. منتظران ما ما در این مورد با شما، در ضمن فعالیت هنری و فرهنگی شما در این مدت کوتاه که به سوئد آمده اید، جالب توجه و نشان دهنده ظرفیت و انرژی شما در این گونه، موراجعات می است. در این زمینه هم ما شما مکالمه خواهیم کرد، اما لازم است که ضمن پیش بردن این گونه فعالیت ها، گزارش آنها را بصورتی که قابل استفاده برای خوانندگان ما باشد ارسال کنید.

سعید - استرالیا

تا ما شما را که همراه با تصحیحاتی از متون پیام ما، رگر بود دریا فت کردیم از توجهی که به پیام ما، رگر دادید خوشحالیم، در مورد گزارش تایلند و گزارشات شما به آن لازم است که خود شما موارد استخفا ده گزارشات را روشن کنید، زیرا ما کلیه گزارشات شما که دریا فت می کنیم برای درج در پیام ما رگر در نظر می گیریم، علاوه بر این مسائل روی گزارشات که از شما می آیند، تا اینکه دریا فت می کنیم حسابیت زیاده را می دهم.

رفقا، من، ملکومیان ون، کشمیران - برلین - آلمان فدرال

گزارشات و نوشته ها بی تا ن را دریا فت کردیم، از تلافی های شما برای پیام ما رگر خوشحالیم امیدواریم همگاریتان را با ما همچنان ادامه دهید.

س - آگاه - نروژ:

رفیق عزیز ما شما در مورد شعر "گراچیسی" را دریا فت کردیم، لازم است به اختصار اینبار توضیح دهیم که این شعر توسط یکی از خوانندگان نشریه برای ما فرستاده شد بدون آنکه نام شما در آن ذکر شود، ما برای پاره ای اصلاحات که منظر مسلمان می رسید و همچنین جویا شدن نام شما عربی رقیب فرستاده شعر تمسک گرفتیم، ایشان با اصلاحات پیشنهادی ما موافقت کردند نام "خوزستان" را به عنوان نام آنرا گذاشتیم، لذا ما برای روال وبدون اطلاع از تعلق این شعر شما عمل نمودیم، بهر صورت از آنجکه که پیش آمده متاسفیم و حتماً سبب هنرمندان شما نسبت به "فرزندان" را درک میکنیم، از محبتی که به نشریه ما رسانید و خوشحالیم و امیدواریم که با ارسال آثار خود شما را با ما کنید. از آنجا که چاپ مجدد شعر گراچی فعلی را میسران مقدور نیست، یکی از اشعار کوتاه و جالب شما را در همین شماره به نظر خوانندگان نشریه میرسانیم:

از سرزمینی گریختم که دوستی می داشت و دریا را نشی عشق را کودکی نه دیدم اکنون

بر پوست پیرزمین با کفهای کودکی نام - گام بر میدارم و آوازم میخوانم برای فردائی که دوستش دارم

مهرشمت وش - س آگاه از مجموعه شعر - بیاران با تن بوش زمستان

گفتگو با ...

شخصی در این رابطه اظهار نمود ما ست و وکیل از جانب اتحادیه نایب رسیدگی به این قضیه - تند ولی تاکنون مسئله روشن نشد ما ست.

طرف ضمن ابراز تأسف از عدم وجود کانسون پناهندگی در شهرداری، در زیرنگ اظهار داشت: "در سال گذشته شورائی تشکیل شد و چند جلسه ای صحبت داشت ولی بجز رد لزوم تشکیل یابی برای نظریه مشکلات، برنامه ای برای ادامه کارنداشت و عملاً نتوانستند و ام بیاورد." وی عدم موفقیت این شورا را فقدان عنصری سیاسی که بتواند رهنمود دهند، با شدن کر نمود. وی افزود: "شرایط بین المللی بخصوص روابط ایران و آلمان سه م بزرگی در شرنوشت ایرانیان پناهنده بازی می کند ولی اتحاد عمل پناهندگان در برخورد با قضیقات می تواند در گسترش و یا محدود کردن این روابط موثر واقع شود." آقای علی ۴۵ - ۴۰ ساله آخرین مصاحبه شوندند، با بود که ریاسخ به سئوالات، اظهار داشت: "حدود ۲۱ ماه پیش با گذشتن همسر و تنها فرزندم

رفیق م - الف - ب: نامه شما را که حاوی گزارش راهیما شای ایرانیان شوروکشودرتا ریخ ۸۸/۴/۲ علیه جنگ ارتجاعی و خا نما شوزیسن ایران و عراق بود، به همراه یک قطعه شعر خوب دریافت کردیم. بدلیل گذشت تاریخ مناسب درج این خبر از انتشار آن در پیام ما رگر معذوریم، اما شعرا و سالی را در یک فرصت مناسب درج خواهیم کرد، ارسال سریع تر گزارش به تا زه بودن امکان درج آن کمک خواهد کرد، با تشکرات صمیمانه از همکاری تو با پیام ما رگر، امیدواریم که با زهم مثل گذشته ما را در جریان حوادث و فعلیتهای شهر خودتان قرار دهید.

بوریا - سوئد:

رفیق عزیز ما شما را دریا ره نقد جا بگه زن در زمان کلید دریا فت کردیم، این مقاله را در اولین فرصت در ستون آزاد منتشر می کنیم، امیدواریم که همکاری با نشریه ما فشرده تر کنید.

رفیق عزیز مشهدی

مقاله شما تحت عنوان "هر چه می خواهید با شینت، ولی ... حقیقی باشید"، بدستان رسید، از زحمات و توجه شما متشکریم، بدین ترتیب زوایای که شما در انشای اپورتونیزم در این مقاله باز کردید بجا و درست است، دروغ وریا برای پوشاندن مقصود از شیوه های رایج این طیف است، اما مقاله نتوانسته در این مورد مشخص بگذرگانی و مستدل این شیوه ها را افشا کند، امیدواریم که رانده کارتان این توفیق بدست آید.

آن رفتار کردن در تابع مقررات نبود نام، وی در پایان بر لزوم برپائی آکسیونهای وسیع تر و پایداری ملی در بگری برای کسب نتیجه تاکید داشته و هوقیت کلیه نیروها را برای ساختن ایرانی در مکزیک و سرنگونی سرمایه داری در ایران آرزو نمود.

خبرنگار پیام کارگر - بن

با پیام کارگر همکاری کنید!

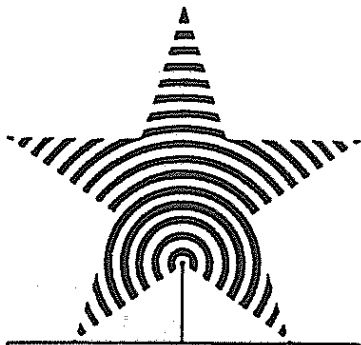
مراسم خاکسپاری رفیق سپید در گورستان "پرلاشز" پاریس



شنبه ۹ آوریل، به فراخوان حزب کمونیست فرانسه و مشارکت دهها سازمان انقلابی و ترقی خواه، گروهی از فدائیان دیرستی، نمایندگان دول مترقی و احزاب سیاسی چپ و فدائیان شریست تشکیل داده و سعی از جوانان کمونیست، مراسم خاکسپاری برای بخاک سپردن شهید ANG رفیق "دلشیمی" سپتمبر "در گورستان "پرلاشز" پاریس برگزار کردند. در این مراسم که بالغ بر ۱۵ هزار نفر شرکت کرده بودند نخست دبیرکل حزب کمونیست فرانسه علیه تروریسم و دیرستی سخنرانی کرد و با رفیق سپتمبر را گرامی داشت، سپس سفیر دولت را میبیا و همچنین مسئول ANG در لندن سخنرانی دربارۀ مبارزات "سپتمبر" علیه ارتجاع جهانی و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ایراد کردند و بیاسام شوابو "در باره این جنایت خوانده شد، یکی از

اعضای دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات زنان در ANG نیز بیوگرافی و زندگی و فعالیت‌های سیاسی رفیق سپتمبر را توضیح داد و یکی از اقوام نزدیک او درباره رفیق صحبت کرد.

سازمان‌ها و شخصیت‌ها با تقدیم دسته‌های گل به بیگربی جان "سپتمبر" با دوراها و اگر کسی داشتند، رفقای از سازمان ما نیز در این مراسم شرکت کردند و با نثار یک دسته گل میخک قرمز، ادای احترام نمودند. رفیق "سپتمبر" با رفقای ما در پاریس ارتباط بسیار صمیمانه‌ای داشت. با شهادت او سازمان ما یکی از دوستان واقعی انقلاب ایران را از دست داد. با اتحاد دو همبستگی هر چه بیشتر، جای خالی "سپتمبر" را در مبارزه علیه ارتجاع جهانی، بپرکنیم. یادش گرامی باد.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران اداره کارگرا

★ برنامۀ صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش می‌گردد.

★ این برنامه ساعت ۹ همان شب و ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می‌گردد.

★ جمعۀها برنامه ویژه پخش می‌شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمائید!

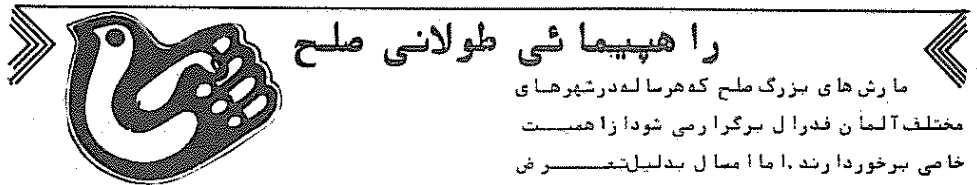
آدرس پیام‌کارگر

POSTFACH
650226
1 - BERLIN 65

ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
- CEDEX 12
FRANCE

لیست کمک‌های مالی

م	۱۲۵	مارک	محسن	۲۷۰
کژال	۴۰	"	مهدی	۱۷۰
نسترن	۴۱۶	"	منوچهر	۱۹۰
بهرام	۲۲۰	کرون	حسین	۱۷۰



راهیما تی طولانی صلح

مارش‌های بزرگ صلح که هر ساله در شهرهای مختلف آلمان فدرال برگزار می‌شود از اهمیت خاصی برخوردارند. اما امسال با دلیل تجمعی سرمایه‌داران به زندگی و کارگران "راهیما تی" ها وزن "در ایالت "نورد راین وست فالن" که محل استقرار یکی از کارخانه‌های با سابقه و معروف فولاد آلمان فدرال است، تظاهرات صلح ویژه‌ای بصورت یک راهیما تی طولانی و با شکوه با شرکت هزاران نفر از کارگران و نیروهای هوادار صلح و ترقی، احزاب و سازمانها از مقابل درب شماره ۱ کارخانه این ها وزن آغاز گردیده و با زیرساخت گذاشتن کیلومترها در طول سه روز از شهرهای اسن Eschen، بوخوم گذشته و در دورتموند خاتمه یافت.

در طول راهیما تی جمعیت با شه‌سنگ

۲ آوریل آغاز و روز دوشنبه ۴ آوریل خاتمه یافت.

ویژه‌ای، با پلاکاردهای متنوع و رنگارنگ و سرودها و شعار، جهانی خالی از سلاحهای مرگباری دسته‌جمعی، جهانی بی‌زنان و کارگری همه‌طلب گردند و عا ملین جنگ‌ها را محکوم و افشا نمودند.

رفقای سازمان ما در منطقه، نوردراین وست فالن از آغاز تظاهرات بصورت فشرده و فعال در آن شرکت کرده و با بیای کارگران و نیروهای مترقی در مدت سه روز شعار صلح و انقلاب سردادند و جنگ ارتجاعی موجود در منطقه را ویرانه، جنگ ایران و عراق را محکوم و افشا کردند. این راهیما تی روز شنبه ۲ آوریل آغاز و روز دوشنبه ۴ آوریل خاتمه یافت.